

# حقیقت

شماره ۸۵۵ ۲۷ مرداد ۱۳۵۹

۲۸ مرداد ۳۲ را بیاید  
بیاورید، ۲۸ مردادهای  
دیگر هم میتوانند رخ دهد  
(دنباله از شماره پیشین)

## در حاشیه انتخاب نخست وزیر

تا آنقدری از یکی دو هفتسه  
گفتش میان سیدضی و حزب جمهوری  
ایالتی، آقای محمد علی رجایی،  
شیران تخت وزیر به مجلس اسلامی  
مجلسی شد و با کسب ۱۵۳ رای موافق  
این بنا بر این است آورد. این آقای  
رجایی همان کسی است که در سال  
گذشته بعضی سخن بر سر سیدضی و رات  
آموزش و پرورش فرمان موسوعیت  
سخت و مخالفت میا می را در مدارس  
تا در کرد و همان کسی است که زبیر  
بفروش تا بحال مدعا دیمرو معلم مبارز  
و سرخی "نصیه" و "پاکسازی"  
تده اند. این آقای رجایی همان  
سی است که در جریان انتخابات  
مجلس، رای هائی که برای رجسوی  
مستورن ها ریخته میشد را بنا مستی

کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تنها  
نکته برای بورژوازی ملی و حکومت  
ت دکتر معدق نبود، بلکه همچنین  
شکست مهمی برای جنبش کارگری  
و جریانی "شده ای" غالب بر آن  
یعنی حزب توده بود و تا بیانات عظیمی  
برای مسلک کمونیسم و هواداران آن  
در کشور ما بیا را آورد. حزب توده در  
یکی از چرخش های تعیین کننده تا  
ریخ سما مرکز و ما ورتکستی خود،  
کده روانع ورتکستی فرمت ظلمی  
و هوچی گیری خرد بورژوازی حاکم بر  
آن بود، بنصه ظهور رساند. البته  
این بار اول نبود، بلکه بار تعیین  
کننده، بار در تعیین کننده، بسود.

## چه کسانی از انزوای انقلاب ایران وحشت دارند؟

مردم ایران علیه وابستگی های  
اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی  
هنکی کشور به امپریالیسم ویا برجسی  
موضعیبری های توده های عظیم مردم  
در نظامها و راهبیمانی ها و  
ایستادگی رسمی از جمعیت های  
دینفونملی در برابر قدرت نهادنسان  
و رنگا رنگ بشریت ستمیده به انزوای  
انقلاب و تکست جنبش منحرک برود  
مبادا ما امروزه اقتصادی غارتگران  
آمریکائی و متحدینشان (که البته  
نصیه در صفحه ۶

امروز محافل زبانه زبانه  
"انزوای" انقلاب ایران در مردم  
جها نی اظهار رنگرانی میکنند. آنها  
دا شما تنها رسیدند که مبادا ما روزه

اخراج  
ساواکیهای  
مزدور، آری  
توطئه برای  
اخراج  
کارگران  
مبارز،  
هرگز!  
صفحه ۷

## اطلام جرم علیه ظلم پرکنندگان ساوا

دنبال کشف توطئه کودتای  
امریکائی در ارتش شاه و روشن  
شدن بعضی فعال سازمان امنیت در  
این کودتا، گویا فریشتی مبادوام  
بجعه افکنده سرمغزای کوچک سر  
سدا را از جمهوری اسلامی وارد شده  
و محسوم گرفته اند اما می سرخسی از  
برای مل ساواک را اعلام کنند، امنیت  
که حال پس از یکسال و نیم که از  
قیام شکوهند طبق میگردد، و پس از  
آنکه اعتراضاتی که علیه سرخسورد  
جمهوری اسلامی به این وحتنسا گ  
ترین ابزار اعمال ترور و غلبه انسان  
اسیربالمیتها در ایران صورت گرفته  
تا ره شاه ااطلام ما می بساره ای از  
نصیه در صفحه ۸۰

در باره راهپیمائی  
روز قدس  
راهپیمائی روز قدس را به یکریشان داد که مردم ما کماکان بختنسان  
جنبش انقلابی فلسطین اند. و فلسطین کماکان جا نگاه ویژه خود را در فلسطین  
مردم ما روز ما حفظ کرده است  
نصیه در صفحه ۴

### حاشیه انتخاب نخست وزیر

نخست وزیر و سرور شری عبور صحت نشد  
مرا بود که پیش نموده ولی این مسأله  
شکل در زورنا مه انقلاب اسلامی بخش  
شده بود. مسئله آقای رجایی فسرار  
شده بود. با اطلاعات بدوشنبه ۲۰  
مرداد ۵۷ (۲۰) همین جا با ایدارا پس

دعوا راه سنا دارم و هم ما مجلس است  
ایستاده بود: شروع میکرد یک مدتی  
مختصت وزیر معین کردن آنها هم رد  
میکردند. درسته؟ دیگر پیش از اینک  
میشد. چند نفر از دیگران آمدند تا  
انه ۲۶ میلیون جمعیت داره ایران  
لاکن "من بنا به تصدیق مجلس نبود و  
نیست" و "این است که این کار را  
نکردم و مسلح کنور و مسلح انقلاب شما  
نبا فتم" (انقلاب اسلامی، یکشنبه ۱۹  
مرداد ۵۷) اما در واقع اینست  
"مجلس" اندیشی آقای بنی صدر،  
هر میگردد به موقعیت کنونی است  
مجاهاش که آیت اندیشی شنبین  
کرده و گفته در ایران مع حزب جمهوری  
اسلامی یا شین بوده. همین اقدام،  
با عت آن میگردد که آقای حبیبی که  
مدتی تا من بمسوا ن کاندید نخست  
وزیری بر سر ما شیا بود، "اشخاره"  
را پیش بکشد و میگوید که دلیل کفاره  
کمربیش از کاندیداشی نخست وزیر  
آنت که "اشخاره" کرده و "سند"  
آورده است (جمهوری اسلامی، ۱۹ مرداد ۵۷)  
هم این "بد" آوردن ما هم آن "مجلس"  
تکه خواهد شد.

ارمعه اول

آقایان پرسید که این چه مجلس و چه  
"خانه" ملت است که مردم حسیق  
ندارند از مذاکراتش مطلع شوند و  
کارهایش را سخنها نه دور از چشم مردم  
انجام میدهد، این چه مسأله "راجم"  
به نخست وزیر و رئیس جمهور بوده که  
قرار بوده "بخش نبود"، "مسئله آقای  
رجایی چیست که قرار بوده "بخش نبود"  
مها فل جا که از مردم میترسند و از همین  
رو نمیخواهند آنها در جریان تمام امور  
باشند و از کم و کوفت لغا با سردار آورند،  
چون دستشان رو خواهد شد، آقای بنی  
صدر هم هر وقت در اقلیت می افتد و بیست  
حمایت مردم نیامد می شود بیست  
عبدشکنی افتاده، بخشی از مسائل را  
برای بهره برداری شخصی فاش می  
سازد، و ا لادست کسی از دیگران  
ندارد.

حقیقت امر اینست که کشمکش  
میان جناح بنی صدر و حزب جمهوری  
اسلامی بر سر مسئله نخست وزیر  
اینجا منافع حزب جمهوری اسلامی تمام  
شده است و این حزب موفق شده است  
کاندید مورد نظر خویش (البته نسبه  
کاندید شماره اول خود) را بدین  
صورت "تعمیل" نماید. حزب جمهوری  
اسلامی اکثریت مجلس ادرا اختیار  
دارد و نخست وزیر بر سر میاید برای تمام  
این مجلس را به دست آورد، اما از  
طرف دیگر رئیس جمهور کسی است که  
با بدست وزیر را به مجلس معرفی  
کند. یعنی اگر او معرفی نکند،  
مجلس هم نمیتواند برای او اقدام  
مجلس رای شده، نخست وزیر انتخاب  
نمواهد شد، تا اینجا ای کار را به  
(مجلس و ریاست جمهوری) از اینبارت  
بسیار مشترکی برخوردارند و یکسری  
بدون دیگری نمیتوانند نخست وزیر را  
تعمین نمایند. لکن نطق اخیراً بیت  
الغمیته و عملات ایشان بر علیه  
"لبرال ها" و گذاشتن مجارهای  
چون "فاطم و مکتبی" گفته ترازو را  
بنفع حزب جمهوری اسلامی برگردا  
نیده و بنی صدر را در همه جا  
است. بنی صدر میگوید "کرم بنی صدر  
بر دعوا و این حرفها بود و یکسری راه  
خوبی داشتیم، هم با حزب میتوانستیم

رئیس را احرا "مکتبی" شده، به مکتب  
حزب جمهوری اسلامی پیوسته و  
نخست وزیر شدن را نیز از همین جا  
درید. گفتند که میخواهند نخست وزیر  
مرا را، انقلابی قاطع و مکتبی  
انتخاب کنند، رجایی آراب در آمد،  
و در جناح اینک میخواهند نخست  
وزیری بر سر، غیر انقلابی و غیر  
مکتبی انتخاب کنند! البته آقای  
رجایی نیز بر محاسن بالا از این  
سورسور حوردا راست که همرا آقای  
محمد جواد با هنر و بیشتی عضو هیئت  
مدیره "شیرکت بازرگانی و ساختمانی  
معدن (شاهی خام)" بوده و اخیراً  
نیز به سمت رئیس هیئت مدیره این  
شرکت انتخاب شده است و در این شرکت  
خبر انشا دارد و خرج و دخلشان یکی  
است.

انتخاب رجایی با دیگران شکارا  
عشق سخران موجود در مقابل خاکه را  
شان میدهد. بنی صدر میگوید رجایی  
را "مجلس" (یعنی حزب جمهوری اسلام  
یعنی "تعمیل" کرده است و من  
"تعمیل" او را نخواهم پذیرفت،  
و آقای علم الهداشی "نماینده محترم"  
از مجلس (از حزب جمهوری اسلامی)  
گفته است که با این حساب "ارسطو"  
شور را محکوم هستیم و در اینست  
مجلس (بنی صدر) همه مسئولیتها و  
تعمیرات را بگردن مجلس خواهند  
گذاشت (جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۰  
مرداد ۵۷) و آقای اماری "نمایند  
محترم" روند نیز اینست که  
"در گذشته سر مجلس قلمداد کرده  
بودند و اعلام نمایندگان حزب  
جمهوری اسلامی که قرار بوده "با تمام  
وزیران" حمایت کنند، بخوبی  
کارش مردمی نامه بنی صدر را بهانه  
کرده، بواسطه این گولش آن شده اند  
تا شرافتیه را این قرار بوده که در یک  
جایگاه "صومی"، "نمایندگان ملت"  
مرا شای زده اند و رای هاشی داده  
اند که قرار نبوده "ملت" بدانند و  
آقای بنی صدر "مهدشکنی" کرده است  
و بخیر آقای فلاح بنی صفائی "نمایند  
محترم" حزب جمهوری اسلامی در  
بندر خیابان "مسأله" که راجع به

### انحلال شورای اسلامی

بدین طریق کارگران را از محنه سیاسی  
تفاوتی سیاسی کشیده شوند بدین وسیله کودتا  
تفاوتی سیاسی به نفع خود بهره برداری  
کند و کودتا بر مستر اس با سیاسی و  
بی تفاوتی سوار شود. اگر دوستان  
شما یک طبقه در یک شکل طبقاتی  
خود در مقابل کودتا چنان بولسوی  
آن اتحادیه کارگران بولسوی بود.  
مدا انقلابی انحلال شورای مرکزی  
این سنگرمی زده و مقابلهت کارگران  
ار شایط نزدیک با زندگی همه ما  
دارد و انحلال کند.

کارگران ما را! این وحدت یعنی  
شورای ما نیست بلکه یک سیاست  
پورش نه جنبش کارگری در پیش  
مسارزه و حمایت کارگران را  
بفیه "شوراها" ای هوار و بیشتر  
و شیراز را ببینید همگی ما یک  
مورد پورش قرار گرفتند. آیا  
حائیت است و یا ما کارکنان  
است یا مدتی دادستان انقلاب؟  
انتخاب کردیم نماینده ما  
باشد؟ خیر این شورای ما که  
بود. و آقایان تازه قدرت رسیده  
با شش...

ما عده ای از کارکنان شرکت نفت  
خود را انقلابیون بر علیه شورا  
خوزستان را قبول نداریم که  
شیراز را نمایندگان ما رزمه  
دست.

هر چه متحد و مستحکم تر شورای اسلامی  
با ایدارها دشورا های کارگری این  
کودتا همه دست نمایندگان از شورا  
عده ای از کارکنان شرکت نفت اهواز  
۱۲۵۹/۵/۱۲

# درباره راهپیمائی روز قدس

از صفحه اول -

راهپیمائی روز قدس را تنها در تهران حدود ۲ میلیون نفر از مردم سرگزارند و با این حرکت آگاهانه و هدفدار هدیه خودشان دادند که فقط شامل سمن دشمن و دوست را خوب نمیشد.

انقلاب فلسطین، انقلاب مردمی زجر دیده و آزاره است علیه یگویی از هر سرگرمی دشمنان شریف، امپریالیسم آمریکا و دست پرورده خونخوار و زنا دهرشن میهنیوسم عاصم، انقلاب فلسطین از دیدگاه مردم ما سرگرمی سردی است علیه دشمنی مشترک و به همین دلیل سیزدهم ما این سنگروا همیشه سنگر مبارزه بودند و سینه اندازمان که حقیقت و سرور نظامناهی در این کشور پیدا شد منکذ و مظهری از مردم فلسطین جنایت بجا می آید، مردم ما هر چه هستی اسرائیل را در مسافت هوسال به آتش میکشند و با فیرا "اسرائیل تا بود است" فلسطین پیروز است، دهر مسافت همدستان درباری اسرائیل را به وخت می آید احمد، کم نیستند انقلابیون دلاوری که در همان ماله های سیاه نا هی، به همین انقلابی فلسطین پیوسته و با نشان رفون خود همسنگی خلقهای ایران و فلسطین را محکم بنه اند.

انقلاب فلسطین برای بسیاری از انقلابیون ایران مکتب آموزش بوده و در آن درسها آموخته و تجربه ها اندوخته اند. در سیاه مه ۷۰ در نزد همگان و در دفاع ارسل و تجربه ها فروردین ما را مردم ایران در کنار همدان نشان میکنند و بدون خون داده اند و دفاع از انقلاب فلسطین را دفاع از انقلاب خود دانسته اند و راهپیمائی روز قدس نیز نشانه این همسنگی انقلابی است. راهپیمائی روز قدس نشان داد که فلسطین همه، سیاسی ها و نوظهوری های انقلابی سوریه، رمانش چمرانها و جلال فارسی ها صورت گرفته است، در پیوسته ما سینه، ایران ملی میمید که سران از همسنگی با خلق فهومان فلسطین است. عیاش این خلق و مبارزه را از مردم ما آموخته های پلیده و فکساران از حزب جمهوری و بهمت آردی که ما استفاده و تمام فلسطین برای خوددگان ساز کرده اند و عیاش.

اما راهپیمائی روز قدس تجربه ای دیگر بود که هوشیاری مردم ما را نشان میدهد. این راهپیمائی در مسافت با نظرات معانی امکانه، حزب جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی سوزنده و محاسن خلق، گواهی ماری است که به روائی احما رطلان و آگاهی مردم را نشان میدهد. در آن نظرات معانی امکانه به جده و به پیش حزب جمهوری اسلامی حیثیت و پیشوا نه سیاسی است. اله حسی و نخست "فقه فالفقر" آساده مسطری را ما به گذاشت و سینه استناد دار "حجراتی تاریخی" اما در مورد معانی و آن ما صلاح "خطبه سینه" هر چه دانست بکار برد ما سواد مردم را تربیت داده، به عیاشان هیا بگردد و برای سرگوب محاسن خلق و دیگر نیروهای انقلابی و آینه صدیقی مردم ما شد. اما ما این همه بلاتنی حسی یک دهم جمعیت روز قدس را همسوا نیست بقدر سوزنده های معانی امکانه و بعد انقلابیون هیچ نماید. این ساله این را نشان میدهد که مردم آگاه ما آنها که پای بفره امکی و احما رطلی در میان ما اند. خود را کنار میکشند و ما که سری ما زوره ای علیه دشمن اصلی ما شد. ما با موجود ما سرید.

اما ما مردم را راهپیمائی و ما سر روز قدس احما رطلان مدرب پرست ما کبریا خود را داده اند و گویند صد ما روز قدس مسیری ساز زندگی مردمی است. در آن فارسی که ما ارش سوریه در سرگوب همدان نشان فلسطین همکار رسوده است. آقای خلال الدین فارسی ما استفاده از نظرت بر حق، مردم نسبت به ما بار نشان و حرا بکار بهای دولت موقت ما زرگان و هادان یکسری شمار ما نشان میمون که دولت ما ما بحال برای فلسطین هیچ کار نکرده است یکبار ه سینه امیری و نظرت خود را این ها بیوهی میکنند، و آن اینکه ما به یاد ارش را در روز قدس، سینه ایات حریفه و ارگوب و هر مینان سعودی و کشورهای مقدم جنبه ما سینه ایات نظرت و تجربه و سینه... اینان گریزی همه معنای کربلا میسر شدند و آثار به کودنای ما فرجام آمریکا میکشند که گویا قصد آمریکا این

بوده که موسسه ایی گرد ما مردم را نسبت به ارش بدین کند و ما که مردم را نسبت به ارش بدین میکشد ما مل آمریکا بید و علامه است که ما آمانی خلال - الدین فارسی فرست روز قدس را نخستین شما رد و ارگوب بر حق مردم سر علیه میهنیوسم و امپریالیسم ما استفاده میکنند و ما نمیت هم شمار "ملت فدای ارش" خود را دوباره بر میدهند.

آقای فارسی کور خوانده اند! اولاً اینان سبب سنی میکشند بیای خودشان را از ما مثل مربوط به دولت موقت ما زرگان کننا رگشند چرا که ما سوز همکاران نشان در حزب جمهوری اسلامی از شرکا و همکاران ما زرگان و لاسرال - های اطراف او در دوران دولت موقت بودند. آقای فارسی و دیگر رهبران حزب جمهوری اسلامی اگر در ما زنگاری ما امپریالیسم از ما زرگان فعال سیر نبوده باشد، دستگیری هم از او نباشد. ملاقات چمران و ما زرگان و سردی را با بوزیمسکی اینها میدانسته اند و مردم بر نمی آورند تا بعد از اسفند ساله - جا سوسی که یکدسته تصمیم گرفتند تا با ما امپریالیسمی به چهره رسند.

● راهپیمائی روز قدس را تنها در تهران حدود ۲ میلیون نفر از مردم ما سرگزارند... انقلاب فلسطین از دیدگاه مردم ما سرگرمی سردی است علیه دشمنی مشترک... راهپیمائی روز قدس تجربه ای دیگر بود که هوشیاری مردم ما را نشان میدهد. این راهپیمائی در مسافت با نظرات معانی امکانه، حزب جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی سوزنده و محاسن خلق، گواهی ماری است که به روائی احما رطلان و آگاهی مردم را نشان میدهد. در آن نظرات معانی امکانه به جده و به پیش حزب جمهوری اسلامی حیثیت و پیشوا نه سیاسی است.

آقای فارسی ادعا میکنند که ما برای فلسطین هیچ نکرده ایم! البته ما زرات مردم ایران در پیشتیبانی از نهیت فلسطین نتایج مختلفی دانسته است ولی راست میکشند که ایشان و امثال ایشان برای فلسطین هیچ نکرده اند چرا که ما تمام وجود منقول سوظه و احما رطلی و سرگوب نیروهای خلقی در خاک ایران بوده اند. آنها که در سنجند مثل زهرهای جمیدی را می آفرینند، و بر مردم بیست می باریدنند چگونه میتوانند به یاری آوارگان جنوب لسان و فدا شیان انقلابی فلسطین اندیشه کنند. آقای فارسی و شرکای ایشان در رهبری حزب جمهوری نه تنها تاکنون برای فلسطین هیچ نکرده اند بلکه از این پس هم نخواهند کرد. نوظله ایشان استفاده از ما لاله قدس برای امکان خودشان است.

آقای فارسی اما از همه چیز سر به این نتیجه گیری میبرند که ما نداریم را بصورت کرد و سوب و ما یک حریفه و تجربه و سینه! آقای فارسی نگارند بر سینه اطلاعاتی عرض کنم که امپریالیسم آمریکا را ما را انقلاب ما کسون همسواره در ایران به صوبت ارش امده سینه است. این را میتوان بیدار ما دجا سوزنا آ آمریکا کنما با اشغالش محالف بودید، هم سینه. و در سینه در مقابل امپریالیسم و نیروهای خلقی طرفدار دیگر کوبی سیاسی نظام ارش در این سینه است بر با کردن یک ارش خلقی سینه، جزئی ارسوده های صلح مردم سوده، سینه آقای فارسی بجزود سنی میکشند از مراجع نقل سینه در سوریه و حسی کوبت برای ما سینه سینه که ما با ارش منظم ما شد ما بگفته ایم که ما ایران ما را رسی ندارد. ما گفته ایم که ایران انقلابی ما ز سینه ایی ارش ندارد. ما گفته ایم که ارش کنونی ما مل کودن است و برای معایله ما آن ما با اول بوده های مردم را در هر کوی و سرور و در هر عرصه از زندگی تعلیمات نظامی ما دوا صلح کرد و از سوی دیگر شرکت اسرمان و درجه داران از دیدخواه و انقلابی در ارش کنونی و ما استفاده از جوانانی که ما ده کار در این عرصه اند، ارش سوسی را سینه جزئی متشکل از خلق صلح ساز ما مدهی سوده.

اما آقای فارسی از دیگری میبرند ما سینه میکشند ما را شرکسارند و همانا خود را با ارش آریا شهری زهر لوی سینه برای جناب فلسطین استتار کنند. مردم ایران گولی این چرندیات را نخواهند خورد. و سرور سینه آقای فارسی و شرکا هم چیزی جز سرنوشت امثال ما زرگان ها و چمرانها نخواهند بود.

انما دیه کمونیستهای ایران - ۱۳۵۹/۵/۱۹



### ۴۸ مرداد ۳۴ را یاد بیاورید، ۴۸ مردادهای دیگر هم میتوانند رخ دهند

اراده، رنجبران بحساب میآورد و در استعاره ها دعای بسیار داشت. رهبری حزب بوده در آن زمان، که هنوز ندانده هائی از ایشان دست از سر مردم این کشور بر سید آورده. دعوی رهبری حسی مردم را داشت و در عرصه، بیکار را ارضاع و امیرالاسم کسی را امین سر و هوش را برآورد همی شناخت و دیگران را نطقه میگرد. لیکن ارتقا هوا میرد تا نیمه در روزهای شوم مرداد ۳۴ بسا همه، آشکاری به این عرصه بها نهاد و حال آنکه حضرات رهبری حزب نامبرده ساعده، لروط یکی هیچ واکنشی جسر تلقین به معدن و کتب تکلیف از ایشان و بعد خود بهما حکتی و واردگی از خود ستان ندادند. و بعد از آنها هوجی به تری در میان توده ها و کرکری خواندن در برابر دیگران بگورزه جنبش را به ریورکمه غور آلودگودتا همان رهسار کرده و جردگر بیخشد.

رهبران حزب شده بعد از همین اعتراضات بیاراه ای ازگتاهان و صفات نگزیده، خویش، که البته همه را به سرع بین گرفتند، تفرقه و عدم وحدت نیروهای ملی را علت اصلی تنگنست بدام میربا لستی و دیوکراتیکه سال ۲۲ تا ۲۳ - ۲۹ قلمداد کردند. طرحهای مختلف و دعوت های بی شماری برای تشدید حزب با شده برای ما مصلحان آنها دیر و های ملی و تشکیل جبهه های متحد در آنها ای سفد و تا به سه امروز، ظاهرا بعنوان جمع بندی نتایج، منشی آن سالها توسط حضرات مرصد سکورد. لیکن علت اصلی، تفرقه و نبود وحدت نبود. از این اتفاقها و سببه ها، که امثال این مار همسران با به کدایش تا شد. درجا های دیسکتر بوده ولی نتیجه، همان بوده است. علت اصلی، عدم تمعیه و بها گساری جنبش مدامیربا لستی و دیوکراتیکه سالهای ۲۲ - ۲۹ از فرصت طلبان، تفرقه مویان، هوجی ها و جاه طلبانسی بود که چون که بیوجنیتها و تشکیلات غای مردم چسبیده و از بدترین نمونه ها میان همین رهبری حزب تا مسرود برسد. این تمعیه و بها کماری با به در

سماں سطوح حسنی، هیدر حسی گارد شری و جب و هیدر سماں سر و هسیای ممسب به بیور زواری ملی و دیگران صورت میگرد. علاوه برای کمبود نسبت ها و اختلافون ابسوران در آن زمان تمعیه در حزب بوده و حسی

زوده ای ریر رهبری آن از خط منی ها و تا رهبران عرصت طلب، شرط همشه، کتی جنبش همه، بر دم بود. این صفت پیش شرط تشکیل اتحاد دلار مع در سماں نیروهای ملی بود. در اس صورت حسی کامی بود تا حسی انقلابی در روزهای حسیی کننده. مرداد ۳۴ با پیشی گذارد تا اتحاد نیروهای واقعا ملی و همه، مردم آزادخواه کشور در دم حقیق پیدا کند. این مهمترین درسی است که از گذشته برای حال باید گرفت!

رهبری حزب بوده بحالت خفا مثل صدیرولشیری و همرا انقلابی و اسس و انعت که زحمت و سختی بسیاری تشکیل بیکار حزب نوده ای نگنیده بلکه بر اشتیاق تا کجا آن فوران کرده، توده ها برای شکل و کتب آگاهسی در سالهای پس از شهریور ۳۴ سوار شده بود و بیشتر به اعتبار و جعلی بیس - المللی اعتبار ملی با یافته بود. هیچ گاه تمایل نداشت مثلاً، یک ارتقا، انقلابی در جنبش کارگری و در حرکت نوده های مردم گردد. این رهبری بکل اراغیا، بیولشیری و منا رزان و اغنیی متشکل در حزب توده جدا بود و بیشتر بخشهای از روشنفکران نحدخواه و اقتدارنا را می دیوانسالاری بسا کارمندی دوران رضا خانی را، که از موضعی نیم طلبانه و غیر اصولی بسا کارگران همستگر شده و بدین ترتیبی کارگسستی را وسیله، سماں و نوحیه، امبال خود کرده اند و بوده، بسا - بیندگی میکرد. ما این وضع کا ملا روش بود که حزب توده، یک حزب جدی برای مبارزه، کارگران و رهبری توده های انقلابی میگردد. بلکه با زبده ای بود در دست این افشاران توده ای را در راه منافع آبی و فرصت طلبی های سیاسی خویش بدسماں کند. طبعاً جا کمسبت این فخرها به زلفاظ و محملکی و شه از لحاظ تشکیلاتی اینها موبکیا رجسکی مستحکم را برای طبقه، کارگرها به ارمغان میآورد و بلکه با لغش مسلک و مردم جزئی را به برج روز و ساسه اوضاع و شرایط تفسیر و تفسیر کرده و اصول تشکیلات و انصاف حسی را

وسله ای برای کسب شهرت و مقام و قدرت معاشی و تا به امثال کسروهی مکرده اند. چنانکه رهبری اس حزب طی ۱۲ سال فعالیت سیاسی خود در ایران از یک دسته، مشروطه طلبی سی آرا تا گردان دواشته مارکسیسی لسمستی، همه جور، خود را معرفی کرد و تشکیلاتی را بدیده آورد که همه گونه اشعاعات و صرفه با زبده ای بیور زواری، دماهای جاه طلبانه، روشنفکری و غلبی المصوب با تدبیری در سطح رهبری و مسئولان در آن تابع بود. انقلابی - گری آنها برای رسیدن به اهداف سیاسی انقلابی ما نندگرمی های مجلسی و احما با وزارت بود و در سرای طی عسر انقلابی جرات بیور زومی باعث، حال آنکه در شرایط انقلابی، بویا انقلابی - طلب چو سالهای بحران انقلابی، سلفا صفت پس از حرکت جهانی دوم و سایر در روزهای سرخوش ساز مرداد ۳۴، که راه نایل به اهداف انقلابی گشوده می - گشت. دیک انقلابی گری حضرات از خوش میآیند.

نوعه، بیخورد رهبری حزب توده به داستان امتیاز زلفت شمال در سال ۱۳۲۳ (یا اواخر جنگ جهانی دوم) و سپس در سالهای ۲۵ - ۱۳۲۴ و طرح نظریه، فدرالی "توازن" توسط اشسماں، بیکارنگی این افشار و بیورولشیری را نسبت بدسماله، ملی امیرانسان بر ملا کرد. احسان ظیری، از رهبری جعل کنده های معروف حزب، در همان مسائل ۲۳ نظردسته، خود را در این زمینسه چنین طرح کرده بود که "منفده" دسته ای که منی شما در آن دسته قرار دارم است که دولت بیورولشیری برای امتیاز زلفت شمال به بیورولی و صفت خوب به کمیابهای آمریکا و انگلیسی وارد مدار کرده بود. و روزنامه، رهبری ارکان حزب با مسرود در دفاع از "حرم است" همانا کار قلمبرمانی کردند. همین چند جمله از مجموعه، محیم شرم - آوری که در اثبات این قضا با به زبان و لطمه آوردند که نیست سماں دهنده این دسته دارای یک و غیرت ملی بسرود و اردو هائی که بلنضهای سنندیده را به مشورعساں بر سماں تکبیرها ک سی بهره بسود.

رهبری حزب توده در شما صسی دوره، بیخوش و خویش دوا رده بسا لسه ملی مردم ایران دست نگذارد، برچشم سرمد مدامیربا لستی ملت تنمیده، ما را به اهتزاز در دنیا آورد و آنچه هم که برچشم هائی در این زمینسه به اهتزاز در آورد بیخوردی و از به دل ارموسع رهائی ملی و بیورولی و بر بلندی ملت

مادر سماں ملین غالم نبود. او بر صریحاً در شما به سماں ملین سید شده و امیربا لستی ما ریکر نبود. بلکه از حرکت برده و او را و قلم طلبانه، اسماں در عرصه، بیکار سماں دوا رده و کتبه، سرچشمه میگرد (در آن زمان هنوز دوا رده و کتبه جدا ممما ن وجود مدامیربا لستی نگاه آنها همه به خارج بسود و در آنجا نقطه، انکا، خود را میدیدند و بویا تا با آنها بویا تا با اسماں را تعیین میگرد. بدسماں سی کسورهای بویا لستی انرمان و ممالک سی تا کسکی ممالع و منا رزه آنها هر چه بود، همان عسما به عرصه، مسارزه در کشور ما سطح داده بسرود حسی شده میگردند. آنها در فرموله کسور در نظریات فرصت طلبانه و عا ش بیورولی، نه ای که بعدها در حوضف مکار رهبری احزاب کارگری در کسورهای مختلف فرموله ما عت، جدا و عا بیس کسور بود.

آنان در دست در همان رهساری که عرصه های حاصله ارضاء مساب و اشکاکات مباح در مجلس ۱۵ بر سر ماله نعت جنبش مدامیربا لستی مردم ایران سرای ملی کردن صفت صفت را شعله و ساحت، تمام جوانان معمول جمع آوری امما، های سی - عاصیت برای ساخته، ملج سکتیلم بود. برای اسماں جنس صصیح آوری اعفاء، برای ملان بیا به یک حسی واقعی بود. ولی جنبش که ارا عا ی ما مع، ما بر علیه امیربا لستی غارتگر انگلیسی بها خاسه و همسه، امیربا لستیها را به مکار بوی صصیح آلودی غلیمه مردم ما برانگنجه بود. واقعی نبود و بلکه ارمغانا، انحراف نوده های ملت بود "ارمسارزه" صحیح و عصبی احساسی، رهبری حزب توده، رهمان اسدا و ما مدسها، تا پس از نوظفه عمل دگر صصید در ۱۹ اسفند ۳۱ و هکتا منگه مرکوبه در دستور کار بیوری امیربا لستی ها در ارتکره بود، به انواع سبها در توجیهات منحرف، به سخطه حسی بیس عمومی مدامیربا لستی و بیکار بر دم برای ملی کردن صصبت صصبت برداشت و در جهت اسزوی طبقه، کارگر و حسی مهمی از مسارزان راه آزادی ایران از جنبش عمومی ملی گوسد، در اسسی دوره، بشورهای مارکسیسم سبیه اهتزاز برای توجیه فرموله های سیاسی و ملی و جنبشهای هسیای منحرفه، انان برای ما مصلح طلب - گری از انحراف بیورولشیری را با "ملی" مردم توسط "شما رهائی مصلحان

# ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را یادید و آوردید

از صفحه ۲

نه "و بدست پیرمردمکاری که نسیم فرن است به اغفال و فریب غلطی مشغول است"، تبدیل گردید. بزم رهبری حزب شده جنبش فدا مهربان - لیستی مردم ایران "بازی، موش و گربه" و "عصه شب بازی" خود شرکت انگلیسی سخت بود، و کویا مردم را از مسر "مبا - رزه با هیئت حاکمه" و تحقیق حاکمیت ملت بر سر نوشت هوش (یعنی کسب قدرت سیاسی) منحرف میساخت؛ حال آنکه واقعات نشان داد که اولاً این جنبش بسیار واقعی و روحانی شراز اشتغالات اگونومیمتی و نگرانی های حضرات برای صلح جهانی، بعداً مهربان - لبیم جهانی و با بدین در کشور ما نرسه میزد، و نشانها بر زمین، همین جنبش و در سیر تکامل منطقی آن بود که سه توده های هر چه وسیعتری از ملت به سه صورت سرنگونی هبات حاکمه ارتجاع - عی و درباری برده و پیران ۲۰۰ نیسیر ۱۳۳۱ بطور واقعی و عملی با مالسه حاکمیت روبرو گردیدند.

تا که بدینکجا نرسد و غلوا میزدسته حاکم بر حزب شده بر سازگاریهای بورژوازی ملی و جنبه های فئودال - کراتیک و نمابلات مدکومونستی حکوم - ست دکتور ممدق و شعور اینکه کسبویا نتوانی با هوی میان جریسسان انجمنای - سیاسی معدنی و جناحهای اوساعی فئودال - کمیرادوری حاکم وجود داشته و طبقه کارگر تنها بدینا - سیات متعاقباتی را با آن برقرار مارد، عملاً حزب و توده هوادارانرا از تمرکز قوا برای "فره زدن" دشمنان اصلی ملت و از حواس جمعی در موافقی که شرایط رهن چنین فریاتی از هر لحاظ مهیا میگفت، محسوسوم ساخت و علاوه حل مسئله، اتحاد نیروهای ملی را هر چه پیچیده تر و شوارتر کردانید.

داد و قال های "چپ نمایانده" رهبری حزب در باره انقلاب و کسب قدرت سیاسی و مبارزات "واقعی" و "طاع" و کذا، همیشه برای خودشان و در برابر نیروهای رفیق غیر پیرو - لیری ولی خلقی بود، لیکن در برابر

نیروهای ضد خلقی دشمن برنامهای مکرر برای منازله و مجلس بازی و کسب جوارفا نونیت برای ایجاد اصطلاح تحولات دموکراتیک در انبیا ننداشتند و همیشه در اوضاع انقلابی و در شرایطی که یک شهر دقطنی میان خلق و فدا خلق

طرح میکشت، در مواقع چرخش های بزرگ اجتماعی و طبقاتی، نشان میدادند که تریچه های بویکی بیست نیستند، نمونه آن روش کمالاً منحط و خائنه "ایشان در بر خورد به شرایط بحرانی و فوفا نرای مالهای بیلا - فامله پس از جنگ جهانی دوم (۱۳۲۵ - ۱۳۲۲) بود، که بقول خودشان چندا نقش "در پیچه" اطمینان" را مبرای دیگ بخا و در حال انفجاری که مجموعه حاکمیت طبقات ارتجاعی و ایسادی امیریا لبیم را تهدید میکرد، ایسادی کردند، و انقلاب را در آزا "چند مفام وزارت و وعده" چندگرمی و کالست فروختند، همانطور که همالکی ها - یشان در آذربایجان نیز در همان زمان بخا طرفه و بر سر زمین آذربایجانی و کسب خود مختاری در چارچوب ایساران محمد رضا ها می با هر کس و تا کمی سه بندوبست نشنند، با غمناقی را فدای با فچه" کویا خود کردند، طغیان جوشا - نی را که هیچ ربطی به حرکت سیاسی آنها نداشت فدای مصالح بیسن - المللی گردانیدند و در سیر بزرگها رها کردند و رفتند، وقتی غلبیدند، کسه چه بگوئیم! حضرات نا رهبران حزب توده که با قوام السلطنه آدمکش و خائسن کنا را بینه ولی با دکتور ممدق که دستکم مین پرستی و سابق مخالفش ساسا استبداد مطلقه برای ایشان عیسان بود کنا رنیا بند، کجا به فکر انقلاب و رهائی ملت محروم توانند بود؟ قوام السلطنه به آنها وعده "آزادی های دموکراتیک" و جوارفا نونیت وحشی اجاره شرکت در دولت میداد، ولیسی دکتور ممدق انحصار مطلق میگرد و در حالیکه با ارتجاع معاشرات میکرد به جنبش چپ با بدکمانی میخورد، است - این طرز طرح مسئله و در نتیجه این منطق بود که حرکت و سیاستهای خوش - ظا هر چه باطن حضرات مورد بحث را تعیین کرد؛ دیگر بررسی باطن و ما - هیئت قضا با، بسوابی هر یک از نیروها و منافع حرکت سیاسی این بیساران نیرو با تکمیل اجتماع ای از نظر نگاه مبارزه طبقه کار و مردم ایران

برای رهائی ملی و دموکراسی مطرح نبود، رزم آرا هم چون همین کرشمه ها را میرفت امکان تماشای منازله با ایشان را پیدا میکرد؛ و در آستانه "سه قیاسی تیرهم" که توده حزبی علیرغم خواست ایشان با بمیدان مبارزه دلبرانه گذارد، و ارتباطات دوطرفه آقا با ن با هر دو طرف دعوا، که کدام ممکن است وعده توغالی بسرای "آزادی" دهد، در دستور کار نبود، پس چه انتظاری که ایشان که همیشه جواسنان برای حادثه آفرینی های "فدامیر -

مالیستی واقعی" و "مبارزه" صحیح و معنی اجتماعی" در زمان حکومت معنی جمع بود و نگران انحراف مردم از مسر ما روه رینه های برای سبک حکومت خلق بودند، در زمان بورس ارتجاع و امیریا لبیم و کودتای مرداد ۳۲ حادثه ای بسیار پست و اسکندانه تا مستولانه و نا جوانمردانه ارگنر است، مسئله حاکمیت که بطور حادی در دستور و رفتار گرفته، سنگدستی و نگرینند.

برای حادثه آفرینی های "فدامیر - ادامه دارد

## کارگران

اقتصادی کارگران را به عقب انداختن که شامل طبقه بندی و حق فنی می - شود که بعداً شرایطی کارگران عزیز توضیح خواهم داد و خواستادن کار - خانه ها را یکی پس از دیگری به این نحوه کردن کارگران می انداختند که کارگران کار نمیکنند و این یک شمار بیوج و توغالی است که مدیریت وهم - چنین دولت میدهد، شما کارگران به این مسئله آگاهند، که شما متولد را کارگرانجام میدهد.

ما کارگران که در طول این ففده ماه گذشته خودمان سخاوتیم سیاسی مدیران رضوانها و مثالهم را تحفه کنیم ولی نفوذ زبانی در شورا ها کرده بودند و منافع این تحفه میشوند، کلا بعد از مبارزه بر سر مدیران سابق سه درون دفا ترخیزیده و به خواب زمستانی فرو رفتند و به حواسته های سرحی کار - گران توجهی نمیگردند، همیشه در اطفاقتان بسته بود و کارگران را به درون راه نمیدادند.

تا اینکه آیت الله خمینی بیای می یعنی برای اینکه با بد با غوب زداسی شود و شما کارخانه ها و ادارات پاکسازی شود، از تهران یک هیئت پاکسازی فرستاده شد.

با این مدیران طاغوتی و عمالشان آشکارا به درون همان اطایهای در بسته که متعلق به شورا بوده بودید، سودا شوق مدیران، سرزند، بار در باره پاکسازی از تهران نظر خواسته شدند؛ کارگران - بای اس هیئت پاک سازی را به آلفا (محل فونکذاری مدیران، جهاسی جه حال) باز کردند، و وقتی که کارگران به هیئت پاکسازی مراجعه میکردند و آسها میخواستند که این مدیران و ما و اکیها پاکسازی شوند و میخواستند که اس - مدیران در کارخانه اغلال میکنند و خدا نقلات هستند و عملاً به نفع استر - با لبیم خدمت میکنند و این نظامی که سرکارخانه مسلط است با بد دیگر کسبون شود (چون مدیران برای خودماندهایی با سرپرستان درست کرده و سر علیه کارگران به دسینه چینی میشوند) این حرکت کارگران بهت مدیران را لروا شد، و مدیرکل گروه که یک حزب توده ای کشف و ستمام معنی جاش به اس خلق شده است اعلامیه ای در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲۲ یعنی برای اینکه اگر کار - گران بهلوی هیئت پاکسازی میا بند و خواستار تمغه انقلابی شوند هر چه سرح میشود، به این میگوئید هر چه سرح ؟ پس مملکت مدیریت و اس شورا را در عرض این ففده ماه چه میگوئید؟

حال سئوالهایی از خودمان میکنیم: آیا ما اخلا لگرم با این مدیران بهت و این شورا ؟ آیا این شما را به این فکروا نمی دارد که به مملکت زاسر مدیران و شورا را ففتر توبه ؟ و یک شورا واقعی برای خودانصاف بکشد ؟

هدای ارکا رگران نسورد  
۱۳۵۸/۲/۲۱  
\* \* \* \* \*  
\* \* \* \* \*  
\* \* \*

چه کسانی از انزوی انقلاب ایران وحشت دارند؟

بنظر رسمی شوروی و اروپای شرقی نیز در آن شرکت دارند (و با اعلام همبستگی ها که با جنبشهای آزادی بخش بر علیه ابرقدرتها و سگسان زنجیریشان درگفتارها درگزارشها میگیرد، ما به تگ و تشنها مانع ما در جهان شود و انقلاب ایران بهون بار و متحدو مدافع بنا ندود نتیجه در برابر توطئه ها و تحریکات دشمنان بلاغتش فلج کرده بدیده اینسان " انزوا " در عرصه جهانی یعنی انزوا از ابرقدرتها و قدرتها و حکومت های جهان که تقریبا همه آنان از دم بذرات مختلف برمطل خودست می کنند و در خونخواری و جنایت و غارت مردم، عوام طلبی و دروغ با خیمه سلفه گذارده اند، بدیده اینان مو فکیری و ایستادگی در برابر جهان غارت و زور و آشوب و باغیرگی ایسر قدرتها و همستان و مزدوران شان به معنای " انزوا "، و نتیجه اش ارتجاع و عقب ماندگی است.

این محافل در کشور ما که در برده مخالفت با انزوا طلبی به مغالفت با جنبش فدا امپریالیستی مردم ایران و با سنگ انداختن در سر راه آن مشغولند، برود دسته اند، دسته اول طبقاتی از وابستگان و نوکسران امپریالیسم آمریکا و متحدینش وهم چنین غربیهای مختلف سازشکاری با غرب در میان محافل لیبرال ملی و مذهبی هستند، در این طیف آنهاشای هر که با روکش مارکسیستی به دنبال روی از رهبران خاشخین مشغولند ( " حزب رنجبران " ) جای دارند، دسته دوم که بسیار هم مکارترند طبقاتی از وابستگان و نوکسران امپریالیسم روس و متحدینش و همچنین غربیهای مختلف سازشکاری با شرق ( شرقی غرب ) در میان روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا میباشند. با نفاق سن حزب توده در زان این جریان است و با ندهای حزب دمکرات گوندستان و اخیرا اکثریت سازمان فدائیان همستان آن آنها را تشکیل میدهند و دارای متحدینی هم در میان عناصر مترجم مذهبی و غیر مذهبی هستند، برخی

غربیهای روشنفکری دمکرات نیز که ظویرا در موضع سازش با سوسیال امپریالیسم روس قرار دارند آنگاه با نا آگاه به گسترش افکارشان به این دسته خدمت میکنند. هر دو دسته دائما از خوف " انزوی " انقلاب

دعوی جناح های روسی و آمریکا شای با دو جناح روسی - آمریکا شای ؟ در یکی از جلسات " تاریخی " قبل از مرگ شاه مخلوع، وقبل از انتخاب در این حزب، آقای قاسملوروشی حزب دمکرات گردستان و شرکا، نوشته اند و از آقای غنی بلوریان سر دسته انشعابیون دمکرات هم برای نظر خواهی دعوت کرده اند ( نقل بعضی ) : قاسملوروشی ( بخوشی ) ده بیلیون تومان از طرف شاه برای فرستاده تنده غنی ! نظرت چیست ؟ بگیریم ؟ غنی بلوریان : ( پس از اندکی تأمل ناگهان دستش را بلند کرده و می گوید ) بگیریم ! وگور پدر هر کسی که پشت سر ما حارب بزند !

شیردینها و سوسیالست متقلانهای را در عرصه جهانی پیش برد، در بزایوه به افکار دونا تودی کشیده شد مو عاقبت ناچار به تسلیم در برابر بریکسی از جنبه ها خواهد گشت. پس چه بهتر که از هم اکنون سیاست " عافلانته " ای در پیش گرفته شود و با گفتارها و احیاناً کردارهای " آنا ریشی " برخی زعمای قوم و توده های تحریک شده، که بقول روزنامه " سفید " مردم " کرد " فلتا رتلقینات سر " ما شوخیست ها " و " تحت تا شیر احاسات تند مذهبی و ناسیونالیستی " هستند، مبارزه برای استقلال کشور به انزوی کشور منتهی نگردد، ولی در واقع مفهوم واقعی " استقلال " در قافوس این دستجات چیزی مگر همان " انزوا " را معنی نمیدهد؛ منتها هر دسته بنا بر سربردگی و یا سازشکاری خود ویران

بیمان آن ( حزب دمکرات و اکثریت سازمان فدائیان ) همه در خدمت این هدف فدا طلبی و عاشقانه طرح ریزی شده است.

" مردم " ارکان حزب سوسیالیست، در مقاله ای در زمستان " مسائل سیاست خارجی ایران " بنام " انزوا : وابستگی " ( شماره ۳۰۲ ، ۱۶ مسرداد ۵۹ ) مینویسد : " توده ها در روش کمونیستی و استیجای از همان سرمایه داری امپریالیستی ( خواست : سرمایه داری امپریالیستی غرب ) . سخن آرمائی را میبیند که سالان سال در حیرتت سوخته اند. ولی کسانی از دولتمداران ما بر آنند که نفع این آرمان مجرّم " انزوا " اصلاح ما در عرصه جهان و شکست انقلاب خواهد شد ! این منافق مارکسها تفادی ممیل و سادی در عرصه انقلاب است. " پس نشوید با دنده برای رفع این " تناقض " ، یعنی تناقض میان اشتیاق مردم برای استقلال و خطر " انزوا " ، اینگونه راه حل در لای زور و پیچیده ارائه میکنند : " در جهان ما دو جنبه، دو جهان متفاوت در حال جدالند. یکی جنبه انقلاب که در حال پیشروی است و با غنمان جهانی انسانی و سراسری قابل زیست است ... و دیگری جنبه امپریالیسم و ارتجاع، که در حال عقب نشینی و دفاع از مواضع ظلم، فساد و کورسکی و نابرابری است. اما این " جنبه انقلاب " و " جهان انسانی و قابل زیست " همان جنبه ابتدی " جامعه کشورهای سوسیالیستی " جعلی یعنی سوسیال امپریالیسم روس و ما هوارها و متحدینش میباشد، و حال آنکه " جنبه امپریالیسم و ارتجاع " صرفا و تنها ما گروه های امپریالیستی غربی اند که آریب ما در میان آنها قرار گرفته است. در این حالت، بزعم این منافق گران جنبه جهانی با ملاح " انقلاب " ، " برای جنبشهای جهانی نفس ... در راه پیشرو وجودند؛ رد : با سادگی درون سیستم سرمایه داری امپریالیستی و وابسته آن ( خواست : جنبه امپریالیستی غرب ) ناسیونالیست مانند ... و با جنبه انقلاب مابسی ( بخوانید : جنبه امپریالیستی شرق ) پیوست و در قالب نظامی معنی سر ( گویا ) برابری و همبستگی اصلاحی و از سببترین امکانات برای تا سبب استقلال را سبب ( ۱۱ ) و رشد شرقی، جامعه سرمایه ای تا سبب معنی معنی در صفحه ۱۲

اخبار کارگری

# اخراج ساواک‌بهای مزدور، آری توطئه برای اخراج کارگران مبارز، هرگز!

مردم آگاه و ستمدگیان، کارگران و زحمتکشان  
بسی است که دولت‌پیمان دست انداز کار حکومت و مهربان او را محروم  
جمهوری اسلامی در محیط کارخانه‌ها تمام کوشش خود را صرف مبارزه با شورا -  
های واقعی کارگران و کارکنان مینمایند. حکومتی این طبقه کارگر را  
مان ایران و پیشاپیش آنها، مترقی ترین و آگاه ترین و مبارزترین کارگران  
سودند که سنگین ترین نقش و وظیفه را در صحنه مبارزه علیه رژیم مفسد و پلوی  
داشته، بهترین فنّا و اعتمادی را تحمل کردند، مورد خدایدترین توهین هسا  
فرا گرفتند، اما دست از مبارزه برنداشتند و در پناه گناهان قدرت از جنگ  
انقلابیون واقعی، اکنون خودملا و ملنا به جنگ کارگران آگاه و مبارز  
میروند و در این راه هیچ کاری فروگذار نمیکنند.

شناختی و متفعل نمودن، اخراج و دستگیر کردن، بازجویی و ضابطه  
ارمیان سرداشتن این بزرگترین مبارزان ضابطه‌پرست و ارتجاع یعنی  
کارگران، از جمله برنامه‌هایی است که قدرت طلبان برای پیشبرد اهداف خود  
بدان دست میزنند.  
آنچه که در مجتمع خوب و کارگران ایران (چوکا) طرف ۶ ماه گذشته مخصوصا  
هفته اخیر رخ داده مخصوصی بیانگرای سیاست‌های ضدکارگری رژیم جمهوری  
اسلامی است.

سه ماه پیش از این با توطئه تعطیل کارخانه به بهانه‌های نمب و تعمیر  
معنی سیستم‌ها میخواستند کارگران آگاه را تعطیل و اخراج نمایند، که کارگران  
به تنهایی و بی‌ترسند، بلکه توانستند پیش از ۱۵۰۰ نفر کارگر بهمان نسبی،  
بروزه‌ای را نیز با مبارزات بی‌کمتر خویش رسمی نمایند و از سوی دیگر با  
مشارکت بسیار در انجام امور اساسی ساواک‌بهای چوکا را منتشر کردند. (برخی  
اراسی ساواک‌بهای چوکا در کتاب ۱۰۰۰ ساواکی که بوسیله اتحادیه کمسود  
سیسبای ایران به چاپ رسیده، موجود بود) بدینوسیله کارگران آگاه چوکا  
تایید کرده اند که به تعطیل کارخانه موافق هستند. (علیرغم امرای مفسران  
مسی برای اینکه کارخانه ضرر میدهند و از این قبیل مغرورات) و نه پذیرای این  
امر که ساواک‌بهای کثیف کم‌کاران به کار راه می‌دهند، اما رژیم و مهربان آن که  
در مبارزه مدد مکرر کمک و ضدکارگری بسیار و بسیار فعالیت تراست تا مبارزه بر  
نمیدانند و اکسیا، با جماعت بدست‌نشان به طعنه شوری گسترش که نمایندگان چوکا  
شودر آن بودند حمله کرد. جای تحسینی نیست، زمانی که ساواک‌بها مغرور شوند،  
تا در اینجا روغیا با ناله را از تیران سمب گذاری کنند، بایستی کارگران هم  
سمب بیکتیر و قرار گیرند و اخراج شوند.

چهارشنبه هفته گذشته دو اعلامیه از سوی انجمن مدیرها مل کارخانه (که  
به لطف مبارزه مردم بعد از قیام از راج وار شده و به ریاست رسیده است) در  
سطح کارخانه پخش می‌شود، در یکی از آنها عتاب به کارکنان گفته است: "هدف  
از پاکسازی طبقه ساواک‌بها و انقلابیون است و تعدادی از این بدقول‌ترین  
در بین نیست." و در اعلامیه دیگر ۲۲ اسم وجود دارد، تقریبا نیمی از آنها  
به تنهایی ساواکی نیستند، بلکه دقیقا ۹ تن از بهترین و پاک ترین کارکنان  
ساواک‌بهای پیشرو و وفادار ما در کارخانه ساواک‌بها قرار گرفته و طبق قوانین  
معدی از حقوق اجتماع می‌نیز محروم شده اند. به منظور بهتر پند ده کردن منظور  
کتیبتان در اخراج کارگران مبارز، اعلامیه‌ها را چپا رضمه پخش میکنند و زمان  
اخراج نیز از صبح روز دوشنبه ۱۳ مرداد است، یعنی با تعطیلی جمعه و یک -  
شنبه، درست در موافقی که کارگران کمترین زمان را برای تشکیل و تصمیم -  
گیری دارند.

صبح روز شنبه ۱۳۵۹/۵/۱۱ کارگران و کارکنان ۱۹ تنی اعلامیه‌ها را  
میدهند و در آن طعنه‌های تند علیه مهربانان ۱۰ تن از کارگران را از مدیریت چوکا  
میشوند و میگویند که روز دوشنبه مدیریت به آنها پاسخ میدهد. صبح روز دوشنبه  
تمامی مبارزان جنگل مستعد در چوکا (که اعلامیاری ندارند، مگر مسوولین و  
هوا جیدن و ۳۰۰ تن کربسی و تمام ۲۲ ساعت درون کارخانه قدم بردن و سخنان  
خوفنا و خشت در دل کارگران ایجاد می‌کند) پس از هر روز درگیری آماده بودند  
و حالت است که گویا میخواستند در علیه دشمن حارهی امران مبارزه کنند که سر  
روی پشت با میاسگر گرفته بودند، و در کارخانه را تا آمدن کارکنان کارگران  
کنترل می نمودند. همان زمان ورود دشمنان از کارکنان و کارگران را محرم  
اینکه نیروهای انقلابی و مرفی درون انجمن! اعلامیه پخش کرده اند و آنها  
نمایند و پرسش‌هایی مبنی بر اینکه کسانی را که اعلامیه پخش کرده اند به  
کمپدو از این قبیل میکنند. ما با لایحه کارگران مبارز کار خود میروند تا آنها  
را در این روزهاک و نتیجه‌های وسائل ضروری کارگران را سر میسوزند.  
اما با لایحه مبنی اعلامیه ۹ مبارز کارکنان اخراجی در کارخانه سخن میسود  
که در آن مدیریت فعلی (حسن صدر) و ما برای تعطیل و حذف و میل در ۲۵۵ تن  
از جمله مستعد کارکنان، مدیریت فعلی (انجم) و ما برای برداشتن حقوق کار  
به نام دانش سروان اطلاعاتی، و توطئه آنها برای اخراج کارکنان قرار دادی  
مخوبی افتاده است. امضاء کنندگان اطلاعیه دلیل اخراج خود را در اجتماع از  
نویچ دیگر برادران کارگر خود میدادند.

کارگران و کارکنان آگاه چوکا با طرول و کسری از هرگونه سرکوب و مبارک  
ضابطه‌گرایی و با وجود مبارکان مسلح بجای جمع شدن همه کارکنان و ملسود  
گیری از لطفه زدن به تولید کارخانه در شرایط خاص کموسی، کارگران و کار  
کنان که وجودشان برای راه اندازی کارخانه کلا ضروری بود، مبارز کارخوس  
مانند خود حدود ۳۰۰ نفر از کارکنان شمشه‌ای، مختلف در جلو محوطه آذاری جمع  
کردند، یکی از کارکنان را جمع به طاعت این جمع صحت کرد، سپس کارگسری  
متن اطلاعیه ۹ تن از کارکنان را فراشت کرد و سپس یکی دیگر از کارکنان  
قطعتا به فراشت نمود.

در قطعتا به نما میندکان کارگران مواد در برابر طرح نموده اند:

- ۱ - لغو احکام اخراجی کارگران مبارز و بازگشت هر چه  
مربوط آن‌ها به کارخانه است.
  - ۲ - پشتیبانی کامل خود را از اخراج ساواک‌بها و مزدوران  
و ایستادن به رژیم مفسد و پلوی اعلام میداریم.
  - ۳ - ما کلمه کارکنان ناشنیده مورخ ۵۹/۵/۱۸ به مدیریت  
مجمع مصلحت می‌دهیم تا نسبت به بازگشت کارکنان اخراجی مورد امراس ما  
اقدام نماید.
- و در ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۵۹/۵/۱۳ این مجمع با موفقیت با بیان نامه  
ساواک‌بها و مفسدان انقلابیون در قدرت تا بداند که مردم مبارز ایران و  
کارگران قهرمانش، این توطئه ارتجاعی را سر علیه کارگران و کارمندان  
مبارز محکوم نموده، مبارزه را برای طردن ساواک‌بها و مبارزان  
ارتجاع و امپریالیسم و چلوگری از اخراج نیروهای آگاه و مفسران  
تعمیرات و راه‌آنها آخر داده خواهد داد.
- اتحادیه کموسیسیای ایران - گیلان (زهر و ان راه "مصلحت"  
در اینجا، اعلامیه گرومی از کارکنان و کارمندان اخراجی چوکا را  
درج می‌نمایم:
- کارگران و کارمندان مبارز چوکا!

آنچه که بنام تصمیم و با کسری در چوکا انجام مدیریت است (که  
مدیریت و ما میان سرما به داری و ایستاده است که) به اتفاق و مبارزات من -  
ظلمت کارکنان مبارز ما می کارخانه‌ها تا ایران تدارک دیده اند. اخراج  
نمایندگان کارکنان و ما سرما رژیم مترقی می نرسد و می جرتست مبارزها  
و در هم کوبیدن شکل کارگران که سخت دشمنان کارگران را هراسناک کسریه  
است ندارد، با قرار دادن اساسی مبارزترین مبارز کارخانه در کنار ساواک‌بها  
این دشمنان قسم خوردند، زحمتکشان، مدیریت چوکا مؤذنا به میکوشد که سر  
مبارز انقلابی و مبارز را با ساواک‌بها و مزدوران رژیم مخدوفا شای می‌دوس  
نمایند. زمانی که کارکنان خواستار راه اندازی کارخانه و پاکسازی و معصفت  
ساواک‌بها بودند مدیران با این اعتنالی هر چه تمامتر در مقابل این خواسته  
کارکنان مجمع مقاومت می نمودند، اکنون چگونه است که مبارزها و انجم  
طبقه در صفحه ۱۲

الطبی " نقضی فعال و ویترا نکر بازی میکنند ، و این یک روی سکه بود ، روی دیگرش نیز حرم و ولسع دولتیان در حراست از " حیثیت " این " تنگستان فریب خورده " بود و معافه کاری پاره‌ئی از نیروهای

# اعلام جرم علیه تطهیر کنندگان ساوا

بنیاد ارتداد اول

انقلابی که ما میدانستیم بخنثی از اسی و اسرار ما و اکیان نرسد آنهاست ، ولی بپرد لیل حاضر به بخش نبختند ، در چنین شرایطی احسان و طریقه شناسی در قبال انقلاب شما مردم ، حکم میکرد هر که هر چه در دست دارد ارائه کند و ما نیز همین کار را کردیم ،

در همین جا فروری است سبب انتقادی که بر این کار ما وارد است اشاره کنیم ، عنوانی که ما برای لیست اسی و ساوا اکیان انتخاب کردیم ، عنوان درستی نبود ، در این لیست بیشتر از همه اسی و ساوا اکیان و منابع ساواک آمده و کارهای اصلی در آن گنجد ، این البته حاصل تحقیقات بیشتر ما پس از انتشار کتاب است ، اما ما نباید است این تحقیق را زودتر انجام میدادیم و از بروز چنین اشتباهی جلوگیری می کردیم ، برای مثال در روزنامه " جمهوری اسلامی " ۲۱ بهمن ۱۳۵۸ اسامی ۲۲ نفر از ساواک و اکی های شهرداری اعلام شده که ۱۴ نفر آنها پرسنل ساواک اند و ده نفرشان منبع ساواک ، اسامی هده نفر منبع ساواک دولتیست هست ، در صورتی که اسامی پرسنل ساواک نیست ، بهر رو نام کتابی - با بایست بجای " اسامی نفرات اصلی خائن و جانی ساواک " طسوری انتخاب میشد که این امر را میرساند ، در همین جا باز به نکته دیگری نیز فرورضا اشاره میکنیم و آن اینکه هیچک از اسامی بی که در این کتاب آمده بدون دلیل ، بایه " دلایل " ایلیها نه و بعضا کودکانی که جهت نقی سندیست کتاب ، از جانب خیلیها آورده شد ، نیست ، بدون استثنا همه افرادی که اسامی ایشان در این کتاب آمده به نوعی با ساواک در تماس قرار گرفته اند و ساواک امید بهر برداری دا و طبعانه از آنها داشته است البته بسیار ایشان نیز کارهای ساواکند ، این نیز شامل پاره‌ئی حاصل تحقیقات بعدی ما و پاره‌ئی حاصل وظیفه شناسی برخی کسانی است که نامشان در کتاب آمده ، و خود برای

مزدوران ساواک میکردیم ، البته خواهم دید بیکه ایشان نیز نه کارهای گرداننده ساواک بلکه پادوسا و خبرچینان ساواک در سازمانهای دولتی و عمومی دیگرند ، بهر رو ما این فرست را غنیمت میشماریم برای طرح برخی حرفهایی که با خوانندگان عزیزمان داشته ایم ،

دوماه سال گذشته کتابی منتشر کردیم که حاوی نام ۸ هزار نفر از اعمال ساواک بود ، زمانی که این کتاب را در اختیار شما مردم آگاه و مبارزان ایران گذاشتیم ، درست یازده ماه از قیام خونین بهمن و سرنگونی نظام شاه میگذشت ، طی این یازده ماه تمام سازمانهای انقلابی ، همه شخصتهای ملی و تمامی مردم ایران بارها و مدها بار از دولتیان - اسیران میراث خواران نالایق انقلاب خلق - خواسته بودند که اسامی ساواکیان ، این مزدوران بیرحم استعمار و قسا - ظلم مدها جوان دلاور و خلق افشا - گردد ، اما دولت مدام این مسئله را به نوعی پشت گوش انداخته ، حراست از این دشمنان مردم را توجیه کرد ، نزدیک به یکسال از انقلاب مردم گذشت و کوشی که این انقلاب خلق علیه شخص محمد رضا شاه - و نه علیه یک نظام اجتماعی و ارگانش پیش به مثابه ابزارهای حفاظت از آن نظام - بود ، باید هر کس هر چه را از اسرار دشمن در دست داشت در پیشگاه خلق اعلام میکرد ، و ما هم همین کار را کردیم ، از جمله اسامی که در دست ما بود ، لیست اسامی ۸ هزار ساواک بود ، ما خود میدانیم که مزدوران ساواک آزادانه میکردند و توطئه میکنند ، خودشان میدویدیم که جانیان ساواک در تمام کمیته ها نفوذ کرده اند و به آتش فروزی و فعالیتهای ضد انقلابی تحت نام کمیته ما مودیاغ از انقلاب اسلامی منتقلند ، میدانیم که در هر جهت و مجاله خود را لایق میکنند و زیر پرورش دیاغ از اسلام با فیدن تمام کینه و نفاق در بین مردم می بردارند ، و ما خود میدانیم که در تشکیل و هدایت دسته های جهانداد " حزب

ما نوشتند و فرستادند که دلیل این امر چیست ، این را نیز تا گفتند نگذازم که این جریان - که میتواند نست در روشن شدن بسیاری مسائل به جنبش ما کمک کند - با پوشش سنگ زمانهای سیاسی " مسئول " علیه ما و کتاب متوقف گردید و دیگر هیچ کس حاضر نشد عودا اعلام کند که چگونه با ارتش گرفته شد و تمهیدات انجام چه وظایفی سپرده و چه کارهایی کسرده است ، و دیگر دلایلی هم برای این کار نبود ، آنهاش که خیلی احساس " مسئولیت " میکردند به دهم شان رسیده بودند ،

کتاب منتشر شد و به همراه خود جریانی در جامعه برپا انداخت ، دولت مردان جمهوری اسلامی بسندت تحت فشار قرار گرفتند ، ممکن عملی را که ما از جانب مردم انتظار داشتیم حتی بسیار بسیار زودتر از حد تصور ما بتوقع پیوست ، در بسیاری از ادارات دولتی و خصوصی کمیته های پاکسازی - نه از این نوع کمیته های پاکسازی و پاکسازی! جمهوری اسلامی - ساخته شدند و سرما و اکی با بخش شدن این کتاب از ترس مردم گریختند و مطلق شدند ، و همه سبب شبهای دولتیان و غیر دولتیان علیه کتاب نیز نتوانست تا شهری بر این امر بگذارد ، روزنامه اطلاعات به شنبه ۲۳ بهمن ۵۸ در ستون " پشت پرده " معادل سیاسی و اجتماعی نوشت :

" کتابی که اتحادیه کمیته های اسیران منتشر کرده و در آن ۸ هزار نفر را بعنوان سبب کاران ساواک گنجانده ، از دلخترین موضوعات روز است مدها نفر که نامشان در این کتاب آمده تاکنون بسا درج مقاله و آکپی ، همکاری خود را با این سازمان جنیمی تکذیب کرده اند ، از طرفی انتشار این کتاب با رازبرد تطفیه و تا بهم پراکنی در ادارات وک زمانهای دولتی و خصوصی را مجددا داغ کرده و سبب شده که با رهبانهای تطفیه تشکیل خود ، جالب این است که با آن که تاکنون دوباره ، را بخیرا نویسه مادی طباطبائی - سبب پرست ادارات نخست وزیری - در محنت لایق تمامی مطالبه کتاب تردید برارنده ، معبدا آنها که مطلق تطفیه دارند ، ( یعنی مردمی که پیش از ۲۰ سال اسیر جنگال بیرحم اسیران

سازمان مخوف بودند و هزاران جوانان در راه سازش با آن مان با حسد و مسیوا سسد ، با اسن عامل اطمین اعمال سرور شاهی آندی گند ) مدرجات کتاب ، را مدمرد مامل اسناد میدادند ،

" خواند این کتاب سبب از همه دانستند اما در بعضی دادرای تهران شده است ، مردم جا میمان ساواک را از سالها پیش می شناختند و کتاب سر سندیستشان داد و آنچه را اسناد میکردند ، کردند ، ایکاس حسی " آگاه " ما در اینجا هم ارجحی سردم دنیا له روی مسکرد ، مناسسه دنباله رویها نیز نه از حرکات انقلابی ، بلکه همیشه از جو بیانات انحرافی است ، و این عمق فاجعه را نشان میدهد ،

اسلام بنانان نشیروشان را علیه " اتحادیه کمیته های اسیران " کج بستند و روزنامه های جمهوری اسلامی هر روز چندین مقاله و اطلاعیه و اعلام جرم علیه ما به چاپ رساندند ، آنقدر روزنامه های " انقلابی " جمهوری اسلامی علیه ما اعلام جرم چاپ کردند که یک مدتی علیه ساواک نکرده بودند ، کوشی که ما عامل آن همه جنایات بوده ایم و نه ساواک شاهی ،

مادق طباطبائی سرپرست آن زمان ادارات نخست وزیری زودتر از همه کتاب را محکوم کرد ، آنرا خود طسه خود ساواک خواند و داستانی هم میخی بر اینک ساواک خودش حسب بدنام کردن مبارزین - معلوم نشد چرا در اینجا تا گمان دل آقای صادق خان طباطبائی برای مبارزین سوخت - این لیست را ساخته و پیردا - خند ، سرهم کرده بعدا دیگرانی نشر همین هجویات را لغو فرمودند ،

کمیتهان بیجشنه ۲۵ بهمن ۵۸ ، در یک نظر خواهی تحت عنوان " همه میپرستند چرا دولت اسامی ساواکها را منتشر نمی کند " سراغ برخی از کارگزاران اصلی جمهوری اسلامی رفت و جواب آنها را به این پرسش مردم خواست ، همه کاره مسسروق جمهوری اسلامی آیت الله بهشتی گفت :

" اسامی ساواکهاش که در تعدادی شده اند و دیگر اسامی اتحادیه هستند [ روش اسامی قابل اطمینان برای چه کسی ] باید منتشر شود [ که مثل همیشه نشیبه در صفحه ۹



مردم همانهاست که "ملش تنفیبه دارند" همانهاست که "بازار سرد تنفیبه در ادارات و سازمانهای دولتی و خصوصی را مجدداً داغ کردند" و "همانهای تنفیبه" تشکیل دادند. همانهاست که با همان درازشلاق تمسک

## تظہیر کنندگان ساوا

بقیه از صفحه ۸  
وتجا وز جانباں ساواکی را سر کرده خود احساس کرده بودند و حال فرست و امکان و ضرورت افشا و طرد عوامل این دستکاه جهنمی را می دیدند و طرف دیگر مزدوران ساوا که با سر-نامه و حساب شده هر روز چند اعلام جرم علیه ما به روزنامه های چپمذوری اسلامی میدادند و میکوشیدند با بسن جورا دگرگون کنند، سیکوشیدند خود را از دست انتقا مجوشی مردم نجات دهند و به عنوان نیروی ذخیره ارتقا عوام میربا لیم باقی بمانند. در این دهوا بسا رگمان نیز به کمک ساواکیان پرداختند. حزب توده از اولین کسانی بود که علیه کتاب موضع گرفت. آنچه حزب توده را وادار به این موضعگیری کرد، اولاً اما می بسیاری از اعضا و هواداران خودش در این لیست بود و او بدست آوردن فرصتی برای کوبیدن "ما شو شیست ها".

حزب توده تفاد؛ ملیش در این جا محه با نیروهای کمونیست انقلابی است. اینرا در موضعگیری هایش بر سر جنبش مردم در کردستان و در خود-زستان، در دفاع از مدنی ها و... مدام نشان داده است. این حزب خاش و جیره عوار، کمونیستهای ایران را دشمن اصلی خود میدانند. و در حالی که دست خود را با بساں و هدستاش در دست امیربا لیمم آمریکا ست، میکوشد، کمونیستهای ایرانی را "ما شوئیست" و "آمریکائی" بکاشی معرفی کند تا به اهداف بلند و وطن پرستانه خود جا به عمل بیونانند. و در این جف "ما شو-شیستها" هم از قرار ما از همه سا-شوئیست "تریم و در دشمنی با حزب توده استوارتر. و بنا بر این جسا فآرد که حال که فرصتی بدست آمده کوبیده شویم. این است که مسزده بگمران کرملین نتجیده، کتاب را به عنوان سندی معمول و مقدس محکوم میکنند، اما طولی نمیگردد که جاسوسان نشان در دستگا های دولتی جمهوری اسلامی غیرشان میکنند که کتاب سندیته دارد، و آشوت سمسی

میکند، آسرا کم اهمیت و بی بها جلوه دهند و بدین ترتیب جم اغسای ساواکی خود را "یاگ" سازند و هم به میا رزه ساواکیان علیه اتحادیه با ری رسانند. خاشین حزب توده، خود در حمایت از ساواک و محکوم کردن کتاب پیشقدم شده و دست گذاشتند و وقتی دیگران را به دام انداختند، خود را کتا رکشیدند.

دولت جمهوری اسلامی نیز، همانطور که دیده عمل در این مبارزه است ساواک را گرفت و به اعلام جرمها و شایعات علیه کتاب و سازمان مسازد. در جنبش شریاطی و در جنبش محنه ش از سرید، از یک جنبش چپ سالم چه انتظار میرفت؟ در صورتی که جنبش کمونیستی وطن ما از خلوص بیرونی برخوردار میبود چه میبایست میکرد؟

ما در مقدمه کتاب به خوانندگان خود گفتیم:  
۱- در محیط کار روزدگی بکونید اگر کسانی از این سز دوران هستند بیخنا سید و آنها را به مردم بیخنا کنید. اینسان با بدیس از مجازات لازم دقیقاً مورد کنترل توده قرار گیرند.

۲- هر اعلامی از وضع کار و وضع لیست جدید این مزدوران به دست آوردید، با مشخصات و آدرس کامل به هر طریق که میتوانید به یکی از سازمانهای انقلابی ایران (کمو-نیست و غیر کمونیست - برسانید) تا کید را اکنون میگذا ریم).

و در آخر با توجه به اما می ناقص موجود در کتاب هشدار دادیم که:

۳- در معرفی این سز دوران مبادا تضایع نام و ما میسل آکتفا کنید و به مجرد تطابقی نام و نام خانوادگی فلان شخص با نامی در این لیست - افشا و طردش بپردازید. با بد تمام مشفعات موجود در لیست را بررسی کنید (مانند نام پدر، شماره شناسنامه و تاریخ تولد) و در صورت تطابق کامل (با هم تا کید را از مزور میگذا ریم) مطمئن شوید که فرد مورد نظر همانست که در لیست آمده، هتدارید که با حیثیت و شرافت انسانی کسی بازی نشود.

و در جاشی دیگر نیز از همه نیروهای انقلابی خواستیم که کمک کنند در راه

تکمیل این لیست و کلا کشف سزور ساواک، که در آن شرایط منحصراً نفسی استادی در کنار مردم بود در مبارزه ای که بطور روزمزه به پیش پیش میروند. اگر یک جنبش کمونیستی سالم سدا تنضم، میبایست حدا سسل به اندازه کار بنیان ادا را با وارد این مبارزه میتد. راهی که ما آغاز کرده بودیم در تکمیلش مگوشید، و گریبان دولشان را مگرفت کسه چراه این خواست برخی مردم نرحس نمیکند و اما می این دشمنان خطرناک انقلاب خلق را اعلام نمیکنند. اگر یک جنبش چپ با لوده و سزور از پلسه های تنگ نظرانم، خرده سزور زوایش سدا تنضم، مماست سا مردم همدا میشد و سا را سزور ان سرخش انقلاب نشست زما دمکسرد. میبایست گریبان انخا رظلمسان و سازتکاران را میگرفت و در بیستگاه مردم نشان میداد که آب نظهر بر سر ساواکیها ریختن خاست به انقلاب مردم است. میبایست به انیمه خود سری و غیره سری آبت اللها و وحی الاسلامها در دفاع از ساواک و "قابل اعتماد" دانشن ساواکی هالکام میزد. میبایست معرفت و بی حوشی میکرد و در میبایست که کسانی نظهر علی محمدشاری جهومی، فرسده فضل اللها شماره ردیف ۰۰۰۳۲ که نامشان در این کتاب آمده از جسه کاتالهای استفاده کرده اند و به جسه و یا پلی منتش شده اند که تواستند اند برای رهبری حزب جمهوری اسلا-می "قابل اعتماد" شوند، نا انجا که به نامایندگی "مردم" در مجلس شورای اسلامی برسند؟ یا بی می-رفتند و کشف میکردند که چگونه است این "قابل اعتماد" دشمنان و از این راه گامی در خدمت به انقلاب مردم بر میداشتند. اما ایسان به منهنما اینرا نکرده، بلکه پشت به مردم کرده و لگدنان نیز زدند.

رهبری سازمان جوکیهای فدایی خلق نوشت: "لیست محدودی ۸۰۰ نفری با هیت ناشران آسراسر سوال قرار داده است. ما سزور ان لیست تا ذکر نام برخی از سزور برس و صدیق ترین زندانان سیاسی روس پیلوی در کنار ساواکیها و سزورگان رژیم شاه... ضما خواستند اسد بزرگترین خدمتی را که اردشسان باخته بود، به دشمنان مردم مایکند. چه، ناشرین به اصطلاح کمونیست نه تنها بهترین امکان را برای تطهیر غیبت ها و صایبت های مؤامل بقیه در صفحه ۱۰

آقایان رهبری چریکهای فدائی خلق و به مبارزه دستش، عمال خائضین حزب شده در رهبری چریکهای فدائی خلق از جای دیگر میسوزند. اینست لیبست با بدوجه المعامله میشدند پس آنان و قدرت حاکم، آخرا بیان بسه

پنجمه از صفحه ۹

رونق پیشخوان دکان خودبیشتر از هر چیز دیگری اندیشند. حال این رونق را چه مجیزگویی از عنصر شکوک و نگاری نظریه پستی تضمین کند، چه فدائی و شاخ و شان کشفین علمیه نیرو های انقلابی و کمونیست وجه مداحی و آستانبوسی سوسپال امیریا لیبست روس.

ما از همان روزی که این مقاله در "کار" آمد و وسیله بی شد برای تیرش ۸ هزار ما و اکی و به اصطلاح قرار شد، ماهیت ما را از پرسشوال بسه برده دانستیم که این "کار" کسار

ما زمان چریکهای فدائی خلق نیست بلکه این دست کینه کار و حزب تسوده خاشن است که از آستین نونوار چریک فدائی بیرون میآید. این کار ما مورینی است در رهبری و نه کار ما زمان. و اینرا گذشت زمان و کثافتی شدن این سازمان به سمت اردوگاه

سوسپال امیریا لیبست روس ارباسان شبه کار و حزب تسوده بیرونی نشان داد. رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق این کتاب را دست بخت ما و اکی اعلام کرد. ماهیت ما را به اصطلاح زبیر

سوال برد و جوانان انقلابی و پرشور را که به اعتبار لغو ان انقلابیون دلاوری که رهبری این سازمان تسود امروز پشت به آرمای نهی والی آنان کرده، به این سازمان روی آورده اند. به مقابله با رفقای ما در جریان

پشت این کتاب واداشت. امر ما شد. شی نیست مردم! رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق این سازمان را در صلبندی بین ما و اکی و مردم در صلب تیرش کنندگان ما و اکی و رود روی مردم قرار داد. هر کجا توانستند از پیش

کتاب جلوگیری کردند. در شهرهای شمال که نفوذ بیشتری داشتند، رفقای ما را تهدید کردند که اگر این کتاب را بفروشد گتنگ خواهد خورد. یعنی که تا پای کتک زدن "به اصطلاح کمسو نیست" به تظهِر ما و اکی ما بردا غتند. در هر کجا و تا هر کجا که توانستند بر سر راه پیش این کتاب سنگ انداختند و این تنها و تنها پستیهای فاعط مردم - همانهایی که ملیر فم همه

سیاستیهای دولتبان و "تدوینتبان" علیه کتاب با تکیه به تجربه روزانه خود کماکان "مدرجات کتاب را عدد در مقابل استناد" میدادند -

بود که به خودبیری های این صاحب اختیاران! جنبش کمونیستی ایران لگام زد. شک نظری خرده بسوززوا - ما با نه انسان را به بیراهه های خطرناکی میکشد. وقتی خود را مرکز دنیا

میبینی، وقتی اسب خود بهرستی و خود خواهی بلندت کنند، وقتی ملیر فم ادعای مخالفت با انعاما رطلیبسی داشتن، خود جوهر و چکیده انحصار

طلبی سائی، وقتی با حای پسای حزب تسوده بگذاری و خود را از آخرین ذره خطت های پرولتری نیز "بناک" کنی. به چنین چاله های با سرخو - هی افتاد. وقتی خود را مرکز جنبش ات

برای دیگران حق مبارزه حتی بسا ما و اکی را قائل نباشد، آری به مود مع دفاع از ما و اکی هم درخواستی افتاد. و رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق دارای همه این آلودگیهاست.

رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق بیشتر از نوک بینبیش را نتوانست ببیند، گمان کرده طسرف چنگش تنها اتحادیه کمونیستهای ایران است و کتاب ۸ هزار ما و اکی. غافل از اینکه او در صحنه بزرگتری

وارد میشود، که البته اتحادیه کمونیستهای ایران نیز در آن حضور فعال دارد. و این صحنه، همان صحنه شی است که گفتیم و همه دیدند. صحنه مبارزه مردم ما علیه ما و اکی شاهی. آشنایی که علیه کتاب ۸ هزار ما و اکی

موضع گرفتند، از مدرح حزب جمهوری اسلامی و "شورای انقلاب" تا ذیصل خط و جنبش کمونیستی، همه در چنین صحنه شی ایستاده بودند و موضع گرفتند. نه در برابر اتحادیه کمسو - نیستهای ایران به تنهایی. و بسا

کمال تاسف با دیدگویی که رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق در این موضوعگیری تنها نبود. راه کارگر، "زحمت"، "زمنندگان" و "پیکار" نیز همین راه رفتند. با "استدلالاتی" در همین حد مبتذل و کودگانه.

گفتند این لیبست منشوش است و "بظلمت سیر شد که ارجاسب خود ما و اکی و در آخرین روزهای حیات رژیم قسلی و برای بدنام کردن مبارزین و اتحاد افشاش فکری در بین مردم تهیه شده باشد. ("پیکار" ۲۲) برای بدنام کردن آن مبارزینی که ما به همه این گروهها برای گرفتن لیبست ایا میباشان

مراجعه کردیم و هیچکدامشان نتسندیک لیبست ده نفره. حسی او همان نام و وفا مللهای تنها. و به اسم و شخعات کامل - ما ما دهنده و با حسی

نامیک مبارز را تا تمام شمعات و سا اطمینان کامل انکشت نگدارند. ما نفهمیدیم این چه ما و اکی و دستی و با چلفتی بود که برای بدنام کرده ن

ما ۸ نفر از مبارزین - اسهم بسوزن اینکده شخعات کا ملشان را در لیبست بگذارند. بیش از ۲۹۹ نفر از اعضا و منابع خود را بواداد!! و قسلی سکود شیم "استدلال" مبتذل و بسجگانه است

ایرودر هم نکشید، واقعیت اس است. گفتند: " اتحادیه ما بسکند که ما اعلام محدودش بودن اسس لیبست ما و اکیهای که ما نشان در آن آمده سعات خواهد داد. در حالیکه این خود کرد ما - اس این لیبست محدودش و معمول اس

که با استشار چینی سدی و سا کما هم قرار دادن اساسی مردم بسکناه. شهیدای میرسان و مبارزین اسفلی. سا اسامی ما موران ما و اکی. راه راستی گریز ما و اکیها و سرشده اسما باز کرده است. وقتی لیبستی

اسی چنین محدودش و حرسب شده، انشار بان، و قسلی اذهان مردم در این ساره مضوب شد، دیگر وقتی لیبستهای و - قعی هم منتشر کردد، هاله شی ارشک و تردید در اطراف آن اتحاد خواهد شد. ("زحمت" شماره ۱۲)

این یکی دیگر از اسما که مبتذل همیشه وطن سنت دیرینه خود بسکند تا ببینند ما مل دعوا چه میشود و کسدام کفد بر دیگری میچرد و آنگاه موضع بگیرد. بی سوده که تنها سا کفیبسی

اینکده اسامی مبارزین و شهیدان لیبست هست - با این "استدلالی" که با به اش را دیدیم تا چه حد معکم است - نمیتوان شدت کتاب را نفی کرد و بنا بر این یک "عده زبانی اسراد معمولی جامعه که نه الزما جزو مساب

روزین بشمار میروند و نه ما و اکی سوده اند. ("زحمت" همان شماره) سیر بر آن افزوده است. این دیکسیر "استدلال" مبتذل و بسجگانه هم بسبب این کذبین و غیب کوشی اس

این خود را به زمین و زمان زدن برای مددش اعلام کردن این کتاب است و در عمل دانسته یا ندانسته در همان صحنه شی که گفتیم موضع گرفتند. و

اعلام جرم علیه

وقتی در جواب اینگونه موشکیریهایی " مسئولانه " میگوئیم رفقای بخود آشفته، اشکالات ایدئولوژیک شما را وادارید گرفتار چنین مواضع کرده، میترسید:

" متاسفانه اتحادیه کمونیستها در عرض اینکه اهمیت این خطای عمیق سیاسی خویش را درک کند، با راهم " دوقورت و نیمش " ما - فی ما ندود را اعلامیه ۲۳ بهمن ماه " نتیجه میگیرد که این " تئانه " وجود یک انحراف ایدئولوژیک در پشت آن است .

" بنظر میرسد که اگر هر دو سرینندگان این اعلامیه ( یعنی ما - اتحادیه کمونیستهای ایران ) با دیگری آنرا سخاوتند بهرت و بلاکولسی خودی خواهند بود. " ( " راه کارگر " شماره ۱۱۳ )

در آن زمان با آن احساسات جریسته دار شده، به افراد غیر منطقی " حیلی مسئول " تمیذنا ت کرد که چه کسی " بروت و پلا " میگوید و چه کتابی باید " اهمیت خطای علیم سیاسی خویش را درک کنند " اما امروز - بگر حقیقت را تنها کمونیستی بینند که نخواهند بیستند و البته از این قماش آمدها کم هم نیستند .

در تاریخ ۲۰ بهمن ۵۸ آموزش و پرورش آبادان اساسی ۵۰ نفر ساواکی های این اداره را اعلام کرد، از ۵ نفر اساسی ۲۹ نفر - فان کامل و یک نفر بطور متوسط در کتاب " معدوش و مجول " ما آمده است . کیهان ۱۱ بهمن ۵۸ انقلاب اسلامی چهارشنبه ۱۸ اسفند ۵۸ اساسی ۱۸ تن از همکاران ساواک آموزش و پرورش زنجان را به چاپ رسانده از این تعداد اساسی ۱۷ نفرشان در لیست شما که " توسط خود ساواک تهیه شده " آمده است .

کیهان ۲۷ بهمن ۵۸ اعتراف نردی ساواکی به نام " باقر مومنی " را اعلام کرده است . و این البته یکی از " آسای برنده "

مغالطین اتحادیه برای مجبور خواندن کتاب بوده . که تمام در پیوسته فی چون با ترمومنی در آن است . و هرگز هم نخواهند توجه کنند به اینکه ما در مورد اینگونه اسامی چه گفته ایم .

پیغام از صفحه ۱۰

اطلاعات پنجشنبه ۲۶ تیر ۵۹ اساسی ۱۵ ساواکی را اعلام کرده ۹۸ نفرشان در لیست پخش شده از طرف سازمان ما آمده است ( تکذیب ۵۲ نفر دیگر که در کتاب نیا مده از جمله " مده " زیادی افراد محمولی جا مده که نه الزاما جزو مبارزین بشمار میروند و نه ساواکی بوده اند " باشند؟! )

کیهان پنجشنبه دوم اسفند ۵۸ اساسی ۹۲ ساواکی را اعلام کرده که اساسی و مشغفات ۵۳ نفرشان در لیست مورد نظر هست .

جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۵ خرداد ۵۹ اساسی ۳۹ نفر ساواکی را که از سه دانشکده تهیه شده اند را اعلام کرده ، ۱۵ نفرشان در لیست آمده است .

کیهان سه شنبه ۳۱ تیر ۵۹ اساسی ۳۶۵ ساواکی کرمان را اعلام کرده ، اساسی و مشغفات ۲۲۹ نفرشان در کتاب آمده است .

کیهان شنبه ۲۸ شهریور یکشنبه ۲۹ تیر ۵۹ اساسی ۴۲۰ نفر ساواکی را اعلام کرده که ۳۷۱ نفرشان در کتاب هست .

اطلاعات شنبه ۲۸ خرداد ۵۹ اساسی ۹۳۰ ساواکی را اعلام کرده ۶۶۲ نفرشان در کتاب آمده است .

وبلاخره اطلاعات یکشنبه ۱۵ تیر ۵۹ از قول " یک مقام آگاه در کمیته با گمازی مرکزی " می - نویسد که کارمندان ساواک در بخش بودند یکی پرسنل ساواک و یکی منابع ساواک . و جالب توجه همه مسئولین و " مسئولین " از هاشمی رفسنجانی تا " زحمت "

که : " منابع ساواک تقریبا همان افرادی هستند که در کتاب ۸ هزار ساواکی " که چندی پیش انتشار یافت نام برده شده است .

آیا زمان آن نرسیده که بخود آشفته؟ آیا وقت آن نشده رفقای که به خاطر نجات خود و جنبش خلق در غم

بگرا و بدو با آن اشکالات عمیقی کسه شما را وادارید اینگونه موشکیریهایی میکنند مبارزه کنید؟ واقعیت این است رفقای که شما نه به خاطر دفاع از شما زمین زندانی " که نام حتی یک نفرشان در این لیست نیا مده ، بلکه به خاطر در غم دیدن اشتباه آموزگروه های خود در قبال سرد تبلیغاتسی احتمالی این کتاب ، چنان مواضع گرفتید . و این از نوشته هایتان هم پدید بود : " اتحادیه می خواهد سه حیثیت و اعتبار را کذب برسد . اتحادیه برای " مشهور شدن این برنده " رو کرده و ... " ( " زحمت " همان شماره ) و این آن چیزی است که میگوئیم اشکال ایدئولوژیک و عمق فاجعه .

مردم در همان روزهای جنجال آفرینی دولتتان و " فدولتیمان " علیه این کتاب علمبرغم شما شیبائی که از طرف همه از جمله شما رفقای بر فرد این کتاب شد ، " مندرجات کتاب را مدرد قابل استناد " دانستند و به دفاع از آن و مبارزه علیه ساواک پرداختند . دولتتان نیز بلاخره مجبور شدند علمبرغم همه " خود به غربت زدنها و مواقع ارتجاع ایشان علیه این کتاب اعتراف کنند که کتاب سندیت دارد ؛ و حال نوبت شما رفقاست که یکبار رهم شده در پشتگاه این مردی که اینهمه مدعی نمایندگیتان هستید اما دقانه بگوئید چه انگیزه هائی شما را وادارید گرفتار

این چنین مواضعی انحرافی کرد ، شما را به چنین دامی غلطساک انداخت .

و حرف آخر اینکه ما حتی اس کتاب همانسان که شما مردم ساور و آگاه دیدید و گفتیم حرمانی علمه ما بر اه افتاد . مزدوران ساواک کسه خود را در معرض بندها دهنم مضم نسا مردم میدیدند ، به آمدن حاجت مسود هر روز چندین اعلام جرم علیه ما به مزاج قانونی و روزنامه های جمهوری اسلامی دادند ، شورای انقلاب کسه بدستی آنرا با بدشورای مداخلت ناسید و سرگردگانش رفسنجاسی و بهشتی دولت موقت . همه در اس دعوا به موسسا و آک مومع گرفتند و بسیاری دیگر ، و از همه بیشتر رهبری سازمان چریکهای فدائشی خلق نیز به اس حرمان ارتجاعی دان زدند ، و حال امروز که آنکسه با بدروش شود ، روش کسه . ما - اتحادیه کمونیستهای ایران - که به پاس مسئولیتی که در قبال شما مردم و انقلابتان احباس میگردیم ، لیست مذکور را انتشار دادیم . در پشتگاه شما مردم علیه شورای انقلاب ، رهبری حزب جمهوری اسلامی ، دولت جمهوری اسلامی و رهبران سازمان چریکهای فدائشی خلق اعلام جرم می - کنیم . و کماکان سراسر بهمن که بر انشای هر ذره را سراسر دشمنی با ای بلخبریم .



پیغام از صفحه ۱۴

اما کسانی که امروز بر سر کارند عین خیالتان نیست! مگر ما را مسردم دم تعصیه انقلابی جا مده نزدند؟ حتی حالا کم که بعد از تجربه " عقو " آیت الله خمینی بر سر پا کساری سخنرانی میکنند لیست محدودی را منتشر میکنند ، بجای دستگیر کردن و محاکمه کردن آنها با زنجیشان میکنند ، تا آزاد بره جانها - نشان ادا مدهند! مگر هنوز ارتش جا بکا مزدوران و شوطه کرا ن نیستند . مگر فلامی ها و ظهیر نژادها هنوز بر سر کار نیستند؟ دفعه قبل آقای اسنادار بر سر مزار شهدا گفت کار چپی ها " و " منافقین " است و وقتی که کودتا کشف شد گفت : کار نظامی های کودتا جی بوده است ، آقای اسنادار از اگر شما موا مل کودتا را بقول خودتان رسوا کردید و گرفتید پس این انعجاز کما و کیمت ؟ هنوز شوطه کرو کودتا جی فراوان است ؛ راست هم همین است که دولت و دار و ده - های حاکم انقلابی که نیستند هیچ ، به این شوطه ها و جناحها با هم می دهند دولتشی که مظهریائی ها را که در کودتا سابقه طولانی دارند و عمری است کسه جا سوس انداخته انت مالی (!) آزاد میکنند ، دولتی که هنوز خسرو نشانی و مدنی را آزاد گذاشته است ، دولتی که هندستان آنها را مثل دکتر آریست در محبس حلوا حلوا میکند بطور میتوانند انقلابی عمل کنند!

مردم ما با بد هوشا ربا شده ، آمریکا و مزدوران جنا پتکارش بیکار رنمی - نشینند آنها مرگشان در هوشیاری و بیداری ما ست ، مردم ما بدیده خودتان میکنی با شدند و با انقلاب طرف شوند ، با بد متحد شوند ، صلح شوند و ما ده جنگ سنا



### چه کسانی از انزوای انقلاب ایران وحشت دارند؟

رحمتگان (!!) برخوردارند. مسارت دیگر کز زورق های برنخلو و جوش آب و رنگ را کتا ریزیم، برای جنبش رها شمشیر مردم ایران دو راه بیشتر موجود نیست: یا با بدستلم امپریالیسم جنایتکار آمریکا و هم پیمانانش شده و یا با بدرفتاری و ستمهای امپریالیسم تاج و زکروس و همدستانشیرا پذیرفت. اما تصمیم اتخاذ کردیم از این دوران، با سه قول نشریه، شریف یا نشده، "گناره جوشی از این هردو جهان، در حکم سرمشگر کردن از آخرین دستاوردهای مملوین و سازگشت به فقر و عقب ماندگی ماقبل تاریخ است. امری آختر ناممکن، که تاکنون به ذهن احدی

انسانی منظور کرده است. ناقدان سر این مکان و فکرند. ارباب روسی، اکثریت قریب به اشفاق مردم ایران که در اول ستر از شمال جنب و جوش استلاسی و خطا هرا آنها و راهمسانی های سیاسی خود هردو جهان گذاشتی را و دو حکومت کرده اند: "عدالتان" هم حساب تمامند، و ما برای بازگشت به فقر و عقب ماندگی و مافعل بنا و جوشی که گویا این دو جهان سناک ما کمسیون پرچم دارهاش از آنها بوده است، مبارزه کرده اند! معنا خواسته نوحه کنند که نشریه، با داشته چگونه برای ما، لب کردن "جهان اسانی" حدود معجور است آن جهان دیگر را حکم که در چند سطر با لائوسنتوان مدایح "موا"

### توطئه برای اخراج کارگران مبارز، هرگز!

کاسه داغ سزاوارش شده و سنگ تصفیه و پاکسازی را به سینه خود می کوبند! این فرمت طلبان که پس از انقلاب خوشبختی را بران بکنی پس از هرگز! سر و گشته شان از اروپا و آمریکا ظاهراً هر چند از فروردین ماه ۵۹ با اعلام حکم تعطیل کارخانه تعدادی تشنگان را در مبارز کارخانه را تعطیل نموده و عده ای از کارگران را بدینها نه، ما را دیر احتیاج اخراج تمامند، لیکن مقاومت یکبارچه، کارگران بر نمانده های مداخلاتی آنان را نقش بر آب کرد، اینک که شرایط عمومی برای اجرای نقشه های شوم آنها منسوخ شده با اخراج عده ای از کارگران و کارمندان مبارز کارخانه در "لبست سری اول" تصمیم دارند که مقاومت کارگری خود را به مرحله اجرا گذارند!

#### اوقا چه کسانی خدا نعلایی و خلاقه است؟

کارکنانی که بعد از انقلاب به تشکیل شوراها پرداخته تا بر سر نوشت خویش حاکم باشند، تا از با ندیازی های مدیریت و بهداشت حقوق های کلان به امتثال سروان اخلاقی ها (دامادانجم) جلوگیری کنند، تا از حریف و میل و تقلب حسن مدیران پرداخت ۲۸۵ ریال اما نه دستمزد کارگران ممانعت نمایند، تا توطئه کثیف اخراج کارگران قرار دادی را توسط مدیریت خشن کنند و بطور بیگانه مدیریت را جهت راه اندازی کارخانه تحت فشار قرار دهند، تا در مقابل همه زورگوشی ها و خودسری های مدیریت یکبارچه ایستادگی نمایند، آنها فاقد روح انقلابی و اخلاقگرند با مدیریت چون که بی شرمانه طسی اطلاعاتی هرگونه پشتیبانی بحق کارکنان را در مورد افراد خارجی تهدید به سرکوب میکنند!

ما مطمئن داریم که کارگران و کارکنان آگاه هیچگاه از افراد اسواکی پشتیبانی نکرده بلکه این تهدید فقط در رابطه با پشتیبانی کارکنان از عناصه مبارز و خارجی است.

ما اعتقاد داریم که اگر امروز از طرف مدیریت در کناره ها و کی ها قرار گرفته ایم، و از حق کار کردن در تمام ادارات و کارخانه نجات دیگر معسر و کشته ایوم و مارک خدا نعلایی و اخلاقگر خورده ایم فقط و فقط به خاطر دفاع از منافع کارگران و کارمندان بوده است که این امر خوشایند دشمنان و اقمی ما یعنی ما میان سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نمی باشد!

ما ضمن جدا نمودن من خود را و کتبا که از ابتدا پیگیرانه در پی تمثیل و اخراج آنها بودیم از شما می کارگران و کارمندان مبارز چون که انتظار داریم با آنها دیگر چه به افشاء توطئه های شوم مدیریت و انجمن اسلامی و عناصه خود فروخته دیگری که دشمنی آشنی تا پذیر خود را با کارگران و رحمتگان با راه را و راه به اشبات رسانیده اند، پرداخته و مانع اجرای مقاومت کارگری مدیریت در اخراج تعداد بیشتری از کارگران و کارمندان مبارز و انقلابی چون که شوند.

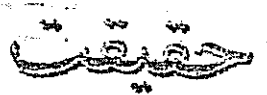
اتحادیه کارکنان یا پشت محکم است بر پروژه مدیریت و همه دشمنان و اقمی کارگران و رحمتگان!

- گروهی از کارگران و کارمندان اخراجی چون که
- ۱ - محمد علی معبودزاده
  - ۲ - غلامرضا مهروردی
  - ۳ - محمدباقر مادی غمانی
  - ۴ - سلمان طوزانداز
  - ۵ - مصطفی رضا پیش

شوراهای انقلابی کارگری کانونهای ادامه انقلاب و مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داران و سازشکارانند. طبقه کارگر هر گونه تعرض به شوراهای کارگری را محکوم میکنند.

**حقیقت**

**ارگان اتحادیه  
کمونیستهای ایران  
و اتحادیه و پیش کنید**



بنیاد از صفحه ۱۲

مع ظلم و ستم و گرسنگی و نا برابری  
حکومت کرده بودیم و توان جهانی کسه  
حتی بریدن از آن هم بماند " باز  
کشت به فقر و عقب ماندگی و ما قسبل  
تا ریخ " است من این کفنه . تا بدین  
طریق راه جدائی از هردو را بماند  
بدترین راه معرفی کند . بسمارت  
دیگر اگر چه بیوستن به جهان با مطلق  
" انسانی " ایشان بهتر از همه است  
ولی نیویستن به هردو جهان از همه  
بدتر میباشد! اینجاست که ایادی و  
شوکران هردو جهان به اتفاق قبول و  
وحدت نظر میروند!

مسلطان استعمار جدیدالتاسیس  
روس و فریب خوردگانی که ظوا هسر و  
عناوین جعلی امپراطوری پسان  
اسلاریت های مکتومت و مددخوشان  
کرده است در واقع به همان زبان  
شوکران آمریکا و دنیا خنگان دموس  
کراسی ناسود به خون آغشته غرب سخن  
میگویند و مردم ایران را از این کسه  
تسامل به " کناره جوشی از هسردو  
جهان " گذاشتی پیدا کنند به " صرف  
نظر کردن از آخرین دستا ورده های علم  
و فن و بازگشت به فقر و عقب ماندگی  
ما قبل تاریخ " متهم میگردانند .  
با بد از این روسها ن و فرسوسب  
خوردگان هوا را در دولت روس برسد  
آیا کشور کوبا ، که انقلاب خود را به  
با دشامان سکور و رخت و درازا " آن  
از " اشزوا " ی گذاشتی بیرون آمد  
به " آخرین دستا ورده های علم و فن  
دست یافت و از فقر و عقب ماندگی مس  
قبل تاریخ " رهائی پیدا کرد؟ یا  
آنکه برعکس کوبای امروزی کسه در  
جنگال ابر قدرت سفاک روس دست و پا  
میزند ، هاشند گذشته اش درت حمت  
روزم آمریکا کشتی با تیتستا ، تولهسد  
کننده شکر برای آریبا ن غوم بوده و  
شده های فقر و ده و بیگنا خود را به  
عنوان گوشت دم جوب تجا و زگریمای  
امپریالیسم روس به آفریقا و آسیا  
کسمل میداره . آیا آنکولای بیچاره  
که با جوانمردانه به اسارت شوروی  
با مطلق سوسیالیسمی در آمد و جنبش  
فدا ستما ری مردم تهرمانش در هسرون  
دمها هزارتن طغنه ، حالا روی زادی

## مدنی، حقیقت و آنها که مردم را فریب میدهند!

از صفحه آخر

و نقش خوشان را بر در و دیوار به عنوان " سندان حمار " خود " وسیله عبرت "  
دیگران مکنه داشت و مردم را از جمهوری اسلامی برایش کف زده . در همین  
زمان حزب توده ، خاش و مزدور و نیرجوب زیر سیل اس شوکران آمریکا نشسته و  
" تا شدش کردو " قاطعیت " بیشتر از او خواست .  
در همین اوج کشتارها جا بسوا ن سکون نشسته ؛  
" ما این گفته بیسار مدنی ، اساندا و خورسان را که سکون : در  
اسانستان حزب و فم و سروری هم بسند ، اس امپریالیسم  
است که دست به نوط کرده ، تا کسب سکیم و به همی حزب براسان  
فاسل درک نیست که چرا بر علیه جوامع امپریالیسم فاعلمه به مدد  
سی شود . حزب توده ایران با اساسی مسئولیت کامل در سنا  
انقلاب ایران را در سرکوشش حساب رصع خورسان را در کس  
به دولت ، به اساندا داری ( یعنی به مدنی جاسوس آمریکا و تا پیش  
کشتار غلطی ) به کسه ها و اسما را ما را ما را سر و ما را انقلاب  
هندا رسیده ؛ تا در سینه بوطنه و سرکات امپریالیسم  
ارتجاع را با اقدامات فاعلمه اسلانی میسکند "

( نامه مردم ، شماره ۵۴ ، سنه ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ )

همین جاسوس آدمکش را آیت الله مرعشی ، سر برافرا کتا را انقلاب و اسلام  
بسخواند و آیت الله مینظری او را اساندا و در لیسر خورسان سوسف سکسند ، و  
بدین شریک بود که مردم را فریب داد و دست و پشتر از ۲ میلیون نفر را در اسما  
با ت ریاحت جمهوری پشت سر او کشیدند ، اما ما در همان زمان کفصم :  
" مدنی رحما جان تاسی بسوی مذرت مسجود . در پس ما ک جمهوری  
خواهی مدنی ' شاه مدنی ' جوابیده است . "

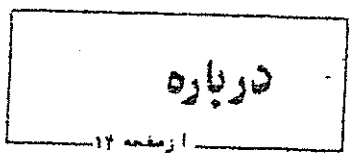
( حقیقت ، شماره ۹۰۴۳ ، آبان ۱۳۵۸ )

و حال امروز در قتل ردا عنبارنا مه این جاسوس در مجلس را  
شیر کسندگان سیخ آدمکش چسب برمی نمرند ؛ ۱ - سوهی مدنی بد مجلس  
۲ - ارتباط مدنی با ساواک ۳ - فعالیت سیاسی و ارتباط با عنار مرسد  
انقلاب قبل از پیروزی انقلاب در سسن ۴۰۵۷ - فراری دادن امرای ماسه  
شعرویی در باشی ۵۰ - بگا رکرفتن عنار سرا و آکی در اساندا داری خورسان  
۶ - ارتباط با فاعلمه آمریکا کشتی ۷ - مسلح کردن فاعلمه و جاسوس  
آیا مردم حق سندا رنند بیروند ؟  
این جدگشتی بود که دست مدنی و همکاران ساواکش را به مسون  
جوانان این مردم کشودند و مردم را فریب داده ، اشچان انبوهی از حمت را  
پشتر دیار این غلام آمریکا کشتا بدند ؟  
آیا مردم در لیسر خورستان امروز حق سندا رنند بیروند خون آن جوانان  
انقلابیشان به کردنی کیمت ؟ آیا مردم حق سندا رنند آتند که در درون اس  
دستگاه حکومتی از اسن نوع " اساندا ران دلیر " و " سر باران نخا " کسند  
صدتای دیگر هستند؟ آیا با زهم ما ور سکیم که آتند که با ی سرکوب علی را سندا  
در میان با شد ، دستا ن جبر و خواران آمریکا و روس در هم کسه مسجود . و آیا سرمد  
ما نیبا سندا رنند به قدرت رسدگان بیروند ؛ تا کی مسما همدما خون جوانان  
مردم ، ما نیبا سندا رنند دستا ورده های انقلاب و با تحکیم به های بر حمت  
تا وان اشیا هات خود را از خلق بکسیرد و با زهم بروی ما مبارک خود سنا رنند ؟  
اشعا دبه کمروستهای ایران

۱۳۵۹/۵/۱۵

## درباره

از صفحه ۱۲



گاهی شامل ۶۰۰ و در همین حدودا  
بهر حال اینرا اطلاعات ضمن کسند  
این بود که کسی ما بدست میروند  
زمین برود و مسما و آسما سر بر مسما  
معرفی بود که از طرف مشردال معنی  
امیر مسین ها و ... صورت سکون  
\* آتند که به در کویک ، مثلا ۹۰-۳۰-۳۰  
شوا ر کفنه مشرد ، بنده به هر طلی کس  
۱۵-۱۰ خا سوا را به هر رندگی کسند ، کسه  
عین گاهی شامل ۱۰۰۰ من زمین میشد ، میشد .

ورق پاره " مردم " که شوکران  
" کناره جوشی " مردم ایران " از هر  
دو جهان " و بازگشت ایران " به  
فقر و عقب ماندگی ما قبل تاریخ "  
است ، آدمی زاپها دورق بسا رند  
" رعد " میدفما " الدین طباطبائی  
مباندازد که در مدح قرار دادا سارت  
با ۱۹۱۹ و قبول فیومیت " تمدن "  
انگلیسی فلسفرا کشتی محکود و زیر  
شماره های هوجی گرانه طبه شود لیا  
و ا فنیاه را دبه قدرت رسدن رفاغان  
دیکتا شوررا همرا میگردانند .  
اکنون سید نورالدین کبیر سوری و  
حزب کذا شیش قدم در میا با ی میسند  
ضیا ملعون کذا رده در با ره فواشد  
" همکاری و دوستی " با " جاسوسه  
کشورهای سوسیالیستی " دروغین  
و قبول فیومیت " سوسیالیسم "  
کننده " روسی لیم میفرما بسند و از  
مزایای " هم پیوندی اقتصادی و  
اجتماعی " این جاسوسه کذاشتی ، که  
چیزی جز وابستگی اقتصادی و اجتماع  
می مستعمراتی به سرمایه داری خون  
خوار روس نیست ، دم میزند ، این  
سیدفما " های جدید سبزه علی " سرمایه  
داران و زمینداران بزرگ زیساد  
شما رسیده ، ولی هدف و مقصدشان  
با آن سیدفما یکی است ، وهاشا  
هموا ر کردن راه برای بلذرت رسدن  
یک رفاغان جدید میبا شد . رفاغانی  
که آتند رختا و ا مریوطا طرف مناسع  
شیطان شمالی با بددیکتا سوری  
و جنبش به خود را اعمال کند .





# ۱۱۰۰ کارگر و خدمتگش شهرداری مسجد سلیمان در آستانه پیکاری

کارگران و ساکنین شهرداری مسجد سلیمان از تعداد ارقام خونین سهمی ما تا بحال رل میس را در پیشبرد امر مبارزه طبقه کارگر در این شهردوش کشیده اند. راهپیمایی کارگران شهرداری و صف انبوه راهپیمایی که بدست کارگران شهرداری در اول ماه به اتمام رسید شکوه طبقه کارگر شرکت کردند منت میس بود بر پیکر همه مرتجعین و عوامل امپریالیسم و دشمنان طبقه کارگر.

این نمایش قدرت طبقه کارگران نمیتوانست مورد چشم مسئولین شهرداری و مقامات شهری قرار نگردد و سر طبقه آن توسطه ننگند. از فردای اول ماه (۱۱ اردیبهشت) به بهانه های مختلف مسئله اخراج و تمهین و پیکاری کارگران مبارز در دستور کارشان قرار گرفت و پیکار به بهانه نداشتن برگ پایان خدمت (معافی) حدود ۷۰ نفر از کارگران و سرکارگران را اخراج کردند که با افشاکاری و مبارزه کارگران روبرو روگردیدند.

این کارگران از خدمتگش ترین مردم این شهر هستند که اکثر ادراملات فمیرتشی رندگی میکنند و اغلب برای کمک خرجی خانواده و بابت مدم کفایت حقوقشان در مقابل اجزایش سرسام آور هزینه زدگی بطور غلطی و هنگام میر داشت محمول به روستا های اطراف مسجد سلیمان میروند تا شاید از نظریه کمک خرجی برای خانواده اشان پیدا کنند.

اجرا توسطه ای از طرف شهرداری برای پراکنده کردن صفوف کارگران طرح ریزی شده و آنهم اینست که شهرداری از پندس سخن ساختن سانی راندمان کار میخواهد. چون راندمان کار بدستشان بصیرت همین مسئله تا امت اخراج ۱۱۰۰ کارگرش ساختن سانی که تحت نظر پندس نامبرده کار میگردند میشود و بدین ترتیب سر و کله طرح گمگوش تولید پیدا میشود و کارگران که کمابیش ماهیت این طرح که در عمل در مورد شرکت پرسیریسون بر استان ثابت شده هیچ وجهی زیر بار این طرح نمیروند و در گردهم آیی های متعدی خود تصمیم میگیرند تا جهت مبارزه متشکل تر و مفروضه تر شوند و بدین گونه شورای کارگران شهرداری از میان خود کارگران انتخاب میشوند تا در مقابل این توسطه ایستادگی کنند.

کارگران علییرغم حکم اخراج شهرداری هر روز صبح زود به سرکار خود میروند و کارهای روزانه را طبق معمول انجام میدهند و شورای کارگران منتظرند تا روز حقوق برسد و کار حقوق نداده اند ممکن العمل لازم اندان بدهند. البته فعلا شورای مسئولین دولتی در حال مذاکره است ولی طبق معمول از این مذاکرات چیزی مایعنی شده و هر روز که میگذرد کارگران در تحریک سیاسی خود بیشتر در استان دشمنان خود را می شناسند. این مبارزه هنوز ادامه دارد.

باز هم انبجار، باز هم هشدار  
آمریکا و عوامل کودتا گوش با شنند.  
سما به مردم قهرمان ایران و خانواده های شهیدای این فاجعه تم انگیز  
عمیقاً تسلیم میگردیم و به سهمنا چیز خود برای پیشبرد انقلاب رفته کن کردن  
این جلادان خونخوار و به گنبر ما ندن آنها آماده جنگیم و شهادت  
مرگ بر آمریکا ای جنا پتکسار و روز دوران ما غلبش  
مرگ بردولت فاشیست ما حسین مسز دور  
اتحادیه کمونیستهای ایران - اهواز  
۱۳۵۹/۵/۹

# خلق هرگز نمیگذارد که خون این فرزندان پایمال شود!

مردم مبارز ایران  
از روز جمعه ۵۹/۵/۳ به حکم دادگاه انقلاب اسلامی در طول ۲ ساعت  
نامی حسین ناگزی - هوشنگ رحیمی - محمد رحیمی - محمد رحیمی -  
داری رابعی است داشتن در حوادث انقلاب ما گذشته در حوضه استقامت  
ببرند.

در اعدام ما گذشته حرکت اعتراضی کاروان مسئولان استقامت  
کثیرای خواسته بحق کاروان سینه شکاری بود اما که خون کشیده شد  
( مشروح این حوادث در " حقیقت " شماره ۱۱ درج گردیده است ) در این  
حوادث ۵ نفر از فرزندان ما شهید و دهها سیر غمی شد و همچنین در حین  
سختی از مد نظر ا دستگیر و در زندان بونگویی در قبول زندانی گردید. سیر و  
این جریان ، مردم مبارز اندیمتک به پیشگامی از خواسته های سکاران و  
سز شهرستان شدن اندیمتک و... دست به تحمل زدند. در حین تحمل هشتی  
آمدولی. متأسفانه جز سردواندن کارری نگرد و آقای شمعانی رئیس سید  
بازداران عوزستان نیز سیمان متعینین آمدند و تحت تا سرفشار شده های  
مردم قبول دادند که زندانیان را آزاد کنند. در طی چند روز دستگیر  
را آزاد کردند ولی چند نفری را نگه داشتند. و بعد ها سرچند نفر دیگر را  
دستگیر و به زندان بونگویی بردند. بعد از مدتی ، در جریان حوادث اندیمتک  
آقای طاهری ( که اکنون امام جمعه اهواز هستند ) به اندیمتک آمدند و مردم  
در آنجا از ایشان خواستند که مابقی زندانیان را آزاد کنند و در حین سید  
سای عوامل اصلی حوادث تحقیق بکنند و سپس املی را دستگیر و سینه  
مجازات برسانند. متأسفانه ایشان ( که فعلا هم در تلو سیرون به سربرد  
اندیمتک توهین کرده بودند ) نیز کاری نگردند و زندانیان همسنان در  
زندان ماندند. فلانهای متعدی خانواده های آنان سیر سانی بر سیدند.  
تا اینکه در روز ۵۹/۵/۳ درسی دادگاههای انقلاب جمهوری اسلامی در قبول  
به حوضه اعدام سپرده شدند و خون پاکشان بر زمین ریخته شد.

این اعدامهای مدافعان بیرونی نامادال برق اطسند دادگاهها  
مورث گرفت. این فرزندان خلق زمانی به حوضه اعدام سپرده شدند که  
سا واگنیا ( که تمام ناله امام سز از خود برورد ایشان بود ) راست راست  
دارند میگردند و به نطقه جیبی مشرفند هر روز در گوشه ای سنی سگدارند  
و تشکیل دسته های ارتجاسی میدهند. این فرزندان خلق زمانی به حوضه  
اعدام سپرده شدند که عوامل اصلی کودتا در این ارتش همچنان مشغول سوشه  
هستند و مردم انقلاب ما را تهدید میکنند. و عوامل تساهل شده سا و سا واگ  
چون قشاشی و مدنی در جا مهول هستند و مشغول توسطه سیر سانه اغسلا  
زمانی که آیت. این تا گردن و پای نقاشی آمریکا می با حال تمام دم  
از کودتا میزند و تا زه بر کرسی مجلس میز سید سید و به ریش ما و انقلاب سنا  
می خندد. آری مردم مبارز ایران ، این فرزندان خلق و ارامی سیدی  
نیر اعدام میبرند که انقلاب ما مراحل سیاسی را میگذارد. اس آمان ،  
باید بدانند که ما این اعدامها ، ما این اعمال سنگین ، کاری حرا سگ  
آب به آبای امپریالیسم بریزند. نمیکنند. اینان که خود سینه ساران  
کودنا باند. هیالکی های خود را آزاد میگذارد تا به نطقه های مار هم  
بختی دست بزنند و آنوقت فرزندان خلق را به حوضه اعدام می ببرند.  
مشاهدات این فرزندان دلبر خلق ، بخصوص شهادت و تعلق شهید سنی ناگزی  
و سزا در مجاهد هوشنگ رحیمی را به خانواده های آنان و خلق ستمدیده ایران  
تبریک و تسلیمت عرض کرده و هشدار میدهم که خلق هرگز نمی گذارد که حسون  
این فرزندان پایمال شود. و با لاف روزی در دادگاه خلق اینان مایسد  
صاحب پس بدهند. با میسد آرزو.

سرگ بر زمین ما را ن کودتا ، این فاجعه مافکن های امپریالیسم  
آمریکا  
زنده باد همسار رات خلق طلبانه مردم ایران  
هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران  
در قبول و اندیمتک

اخباری از  
شهرستان

# باز هم انفجار باز هم هشدار!

بسیار دیگری در اهواز منفجر شده و تعدادی دیگر از مردم ما شهید شدند. باز هم تیغ روبا زهر ریخته شدن خون مردم زجر کشیده ما. و این بار درست در جاب بی که کارگران سیکا روسا لغتانی جمع می شدند!

مردم ما از خود می پرسند این جنایات که بومی از تنگ و چشم و درد و کینه سرا نگرفته کار چه کمائی است؟ چه کمائی بجز خبیث ترین دشمنان ما؟ چه کمائی بجز مزدوران آمریکای جنایتکار، بجز ساواکهای جلاد، بجز هسته های ضد انقلابی که با سران مزدور رشتن و کودتا چنان آهسته دست دارند؟ چه کمائی بجز مزدوران دولت فاشیست عراقی؟ بجز مزدوران اشغال بختیسا رو او بی این نوکران خلقه بگوش و بی اختیار آمریکا؟

مردم ما از خود می پرسند چرا این جانبا ن بدین کارها دست میزنند؟

آیا این توطئه ها هدفی بجز ایجاد نا امنی و فضای وحشت و اغتشاش دارند؟ آیا این انفجارها و کشتارها بجز برای برهم زدن وحدت مردم، بجز برای ترسان کردن مردم از انقلاب، بجز ایجاد بی اعتمادی از انقلاب و فرا هم کردن زمینه توطئه های کودتا های بعدی است؟ مردم با بد هوشیسا ر با شنند!

اما آمریکا و عمالش در خارج و داخل برآستی گمان کرده اند مردم نهران ما که در برابر ارتش و شویب و تانک شاهی ایستادند، رژیم محمد رضا شاه را بر سرنگون کردند و ما را آخره هم میوه کشتیش را به درک واصل کردند، مردمی که دهها هزار شهید دادند از این کشتارها که مرغان غم می شود؟ البته آمریکا کور خوانده است!

مگر نمیتوان ساواکها را معادوم کرد، ریشه های فاسدشان را کند و رسته های ضد انقلابی آنها را نابود کرد؟ مگر نمی توان تمام آن ریشه های داخلی را که آمریکا بجا جنایتکار به آنها تکیه میکند از میان برآ! مگر نمی توان به حساب ارتش شاهی و سوان مزدور و رشوه پسند و مکررمی شود جرایم کرده که امثال بختیار مزدور و مطلق کاری از پیش نرشد؟ مگر نمی شود چنان در برابر دولت مدام حسین فاشیست ایستاد که جرات چنین جنایاتی را نداشته باشد؟ مگر...

## انحلال

# شورای اسلامی صنعت نفت را محکوم میکنیم

شورای مرکزی صنعت نفت پس از مبارزه تکبر با بعضی از زرمها شد بهلولی و افراد خدا نعلانی که در مدیریت هستند سانس مدکارگری مانند... های ضد انقلابی حاکم موردیوش شدیدی قرار گرفت اول توسط شاهی - سار و رفتی - مدنی و منتخب معین فرابین مشاوره نفتی ساواک - مورد حمله سرار گرفت و هم نگرانهای شورا را اخراج کرد و موج با رمانتی و سنی را در شرکت نفت بیوجود آورد و با ردودادستان انقلاب اسلامی حوزستان مادنی دستور "انحلال" شورا را صادر کرد و با صدور حاکمیت ساواک و هوا و طاعنری اما منجمه اسرا از آن پشتیبانی کردند. در اعلامیه دادستانی آمده است که شورا "بیشتر از هر عامل دیگر در جهت ایجاد در کودتو وقوعه نیکار و فتنه نفت و مصلح شریانی حیاتی سنگت" است.

کارگران نهران!  
در کجا شرکت نفت کاریش دجا رونقه ورکود شده است و ما حرمان سرسان حیاتی مملکت قطع شده است که شورا عامل آن مانند؟ ما که در شرکت نفت کار میکنیم میدانیم که املا کمکاری وجود ندارد که شورا آنرا بوجود آورده باشد پس آقای مادنی دادستان انقلاب دروغ گوئی شما چه چیزی را سرساید حسر دشمنی با کارگران و شورای مبارزان، خیانت بکنید و بگوئید ما شورا دشمنی داریم چون شورا: نزیه و افشا کرد تا مل میسی در سرون کردن وی بود که بعد ما بت شود و نزیه به بختیار رحیموست، معنا مردیوت فدا سیاسی و فدا انقلابی که ما فرمانداری نظامی همکاری میکرد اخراج کرد و آب و سوری آنان را قطع کرد. فکتر صدوری کلام بودا و فرساده دادستان کل استیانت اسلامی آقای فدوسی را افشا کرد و مدارک فراوانی درسی اسامی وی برای پاکسازی شرکت نفت دست آورد و در یک مجمع عمومی در حضور تعداد زیادی از کارگران اورا امانا کرد. معین فرابین بهره شایع شده و افشا کرد و از همان استناد طبقوی سیاستهای ضد انقلابی وی ایستاد و در نتیجه جلوی منتخین معین سر که سیاسی حزب است "نفره ستار و حکومت کن ندارد" ایستاد.

آقای دادستانی شما که ساواک ها را که همه دادستان انقلاب سرستی کنند آزاد میکنند چه حقی دستور انحلال شورا ما در میکنید؟ و ما که همه روحانیت مبارزان!!! ما ما ما کندان مبارزان که از دستور مادنی سنی - یانی میکنند. مگر ما همه روحانیت سرود که از مدنی پشتیبانی کرد و سر کشتار خلق عرب توسط مدنی محاسبه

کندارد. مگر ما همه روحانیت مبارزان که از نزیه طرفداری میکرد. مگر ما همه روحانیت نبود که از ستارمان فراری پشتیبانی کرد!!!؟ شورای صنعت نفت تاکنون به عنوان یک ارگان مدام میریایستی عمل کرده و اسباب فاسدانی و ما همه روحانیت به آن نمی چسبند و لایق خودشان است.

کارگران نهران مردم مبارزان هوا و سوسن ما شد. سیاست ما دشمنی فدا انقلابی حاکم فرابین است که تمام شوراهای کارگری اس کا سوسن ساسی مبارزه داد میریایستی و جز، مهم ما همه روحانیت را منحل کند و ما همه روحانیت را افشا و از جاب ممدتدب بختیسا و اسکل کارگران در اسن شورا ها حل و گسری کنند و

# کارگران گروه صنعتی فولاد افشا میکنند

در رژیم گذشته که این گروه "گروه صنعتی فولاد" درست رها شد کشتی بود و رها شد خودش برای خودش حکومتی بود عمالشی که شیوه جان کارگران را می کشیدند و اکثری را می بودند. و در موقع انقلاب کارگران را به ایستاد شهید می کردند که اگر تمام بکنند و کارشما با حکومت نظامی است خموسا تمیذنی مغاری "و بعد از انقلاب همین آقایان نمای اسلام برین کرده، اکثری توجه های خود را درون شورا های کارگری جای دادند. و مشغول کارهای فسد انقلابی شان شدند.

این کارخانه که از نظر اقتصادی اهمیت زیادی دارد در خارج و در میان همه ما شنندارد. این مدیران، چه مدیران سابقش که حتی پول برای رهایی کشتی میفرستادند و پول کارخانه تیرا جن از خارج میخریدند (خود گروه تیرا جن تولید میکنند) و بدین وسیله به کشورهای خارجی از نظر اقتصادی کمک میکنند، به کشور ما لطمه میزدند. در این جریان سودهنگفتی به جیب میزدند، از هر کار کشتی و روگردان نبودند به هر نحوی که شده تمدخو آسان شدن این کارخانه را داشته و در نتیجه با خریدن بیلت خشک (بیلت خشک: مواد اولیه ای که بعد از تولید کارخانه نمی خورد و آتش شکنند است و دستکاه را غسورد میکند) چه خواسته های

بطلبه در صفحه ۵









به خود و تمام مردم می‌تواند اعتماد داشته باشد. هر که می‌خواهد در این راه موفق شود باید با تمام قوا و امکانات خود در برابر دشمنان ایستادگی کند و با تمام توان خود در راه آزادی و استقلال می‌کوشد. این راه را هر کس می‌خواهد بپیماید باید با تمام قوا و امکانات خود در برابر دشمنان ایستادگی کند و با تمام توان خود در راه آزادی و استقلال می‌کوشد.

تکلیف است که باید بدانیم هر کس که می‌خواهد در این راه موفق شود باید با تمام قوا و امکانات خود در برابر دشمنان ایستادگی کند و با تمام توان خود در راه آزادی و استقلال می‌کوشد. این راه را هر کس می‌خواهد بپیماید باید با تمام قوا و امکانات خود در برابر دشمنان ایستادگی کند و با تمام توان خود در راه آزادی و استقلال می‌کوشد.

معمولاً "مبارزه با کسب حقیقت" را شروع می‌کنیم و این مبارزه را تا آخر ادامه می‌دهیم. ما باید بدانیم که این مبارزه را تا آخر ادامه می‌دهیم و این مبارزه را تا آخر ادامه می‌دهیم. ما باید بدانیم که این مبارزه را تا آخر ادامه می‌دهیم و این مبارزه را تا آخر ادامه می‌دهیم.

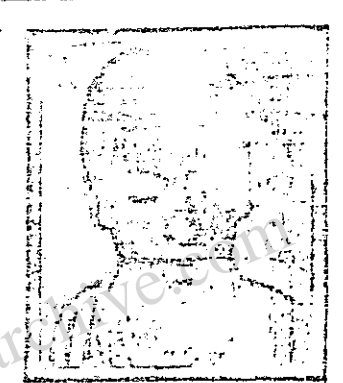
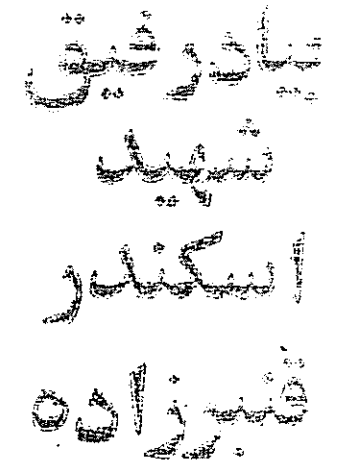
# دفاع از دستاوردهای ما ثروتمند دین دفاع از ما را کنیم - نینیم انت

با سر و پرده‌های جانبداری  
سازده آنچه که می‌خواهد  
مکتوبه و عمل می‌کند و این

دین در هر یک از این اقسام  
تکلیف برای آن که در هر یک از این  
رود ششانی سر خود کرده بود

"معمولاً" را سر و پرده‌های  
اطلاعات می‌دهد و می‌خواهد  
سندون و دیگران را "مکتوبه"  
اسیافت خود را بپذیرند. "همه"  
این لفاظیات را می‌تواند  
و هر آن را بپذیرد و این  
ار برادر بر دیگران غرور می‌کند.

مکتوبه، آنکارا با این  
با سر و پرده‌های جانبداری  
حکایت، با اصطلاح "جور و ستم" این  
گروه، بلکه می‌تواند  
و دستاورد های ما را می‌تواند  
عقلی شدن اعتقاد و این  
نفسه در همه ۱۶



در همه ۲۸ مرداد ۱۳۵۷، روزی  
آدمکش پهلوی، بیست و پنجمین  
با لشکر خود برای محو شدن ما رسیده  
پورا بدن فرستاده ۵۰۰ نفر از مردم  
سرین و در محکمش آزادی را بر تکرار نمود  
ما سوری خود فرستاد و جانک را  
و آن که شهیدانی وارستند سرور می  
عنه سکا را خلاصه فکرا در همه ۱۶

## بیاد شهیدان سینما رکس

خرومی سیمارکس آزادی را با هر  
محل گردید و ستم را با کسب  
در داخل سیمارکس به ۵۰۰ نفر  
مقتول می‌تواند فیلم گورسینا بود  
نقطه‌های آتش در میان برینا  
فرمانت این حمایت جوانان سکا  
مکتوبه و جوانان سکا بر برینا  
نجات می‌تواند خوش نظر سیمارکس  
ضموم می‌آورد. اما ما می‌توانیم سکا  
سهرانی وارستند سرور می  
رکس را قتلش ما مع گم. راس  
فرمانت این حمایت سیمارکس  
مکتوبه در همه ۱۶

اسکندر در سال ۱۳۲۰ در یک  
سازده سیمارکس که زکری در شیر آزادی  
مکتوبه و در همه ۱۶  
روز ما مکتوبه دوران سیمارکس  
دیگر سیمارکس را در محکمش سکا  
کدر ایدویس اردی بهت نینیم سیمارکس  
فرمانت رقت و سکا سیمارکس  
شما و کودکان رو سیمارکس خدمت کرده  
آمریک در سال ۱۳۵۵ سیمارکس  
مکتوبه و نینیم سیمارکس  
دین سیمارکس در همه ۱۶  
سکا سیمارکس سکا سیمارکس  
و کنگه سکا (برسکا) سیمارکس  
کتاب سیمارکس آوری سیمارکس  
رشته سیمارکس سیمارکس  
سیمارکس سیمارکس سیمارکس

## ملانی، حقیقت و آنها که مردم را فریب می‌دهند!

پس از آنکه مردم سیمارکس  
سیمارکس سیمارکس سیمارکس  
ضمیمان سیمارکس سیمارکس  
و سیمارکس سیمارکس سیمارکس  
کوشش سیمارکس سیمارکس  
آقای سیمارکس سیمارکس  
و اعلام کرده در راه سیمارکس  
آمان سیمارکس سیمارکس  
طرف دولت سیمارکس سیمارکس  
مدنی سیمارکس سیمارکس  
آمین سیمارکس سیمارکس  
جمهوری سیمارکس سیمارکس  
سیمارکس سیمارکس سیمارکس

## حقیقت

از کان  
**اتحادیه گونیتای ایران**  
را بخوانید و بخش کنید